



انترناسیونال ۴۰۷

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۰ تیر ۱۳۹۰، ۱ ژوئیه ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

مینا احدی خواهان دستگیری خامنه ای و سران حکومت اسلامی است!

گزارش يك سفر دو روزه به بروكسل



میشود و همزمان با این ملاقات آنها نیز ترتیب چند برنامه و مصاحبه مطبوعاتی را میدهد. با پترکالوی از اومانیهستهای بروكسل و گیدو عكاس این سازمان از ایستگاه مرکزی شهر بروكسل به صفحه ۱۱

ما زنگ زده و گفتند ملاقات برای دوشنبه ۲۷ ماه ژوئن خواهد بود. به دوستان خودمان در سازمان اومانیهستها در بلژیک از طریق مریم نمازی پیامی ارسال

هفته قبل برای اعتراض به موج جدید اعدامهای وحشیانه حکومت اسلامی از دفتر ریئس پارلمان جرسی بوزک، تقاضای ملاقات کردیم و يك روز بعد از اعلام این تقاضا از دفتر بوزک به

بحران احمدی نژاد!



مصطفی صابر

بحران حکومتی که اکنون رژیم اسلامی درگیر آنست، منظور کش و قوس "نظام" با "جریان انحرافی" دولت احمدی نژاد، به جاهای باریک کشیده میشود. آخرین تحولات عبارت از تنگ تر شدن حلقه دستگیری دور و بری های احمدی نژاد است که با عکس العمل وی روبرو شد. از لای دندان تهدید کرد که دست درازی به کابینه خط قرمز است و اگر متوقف نشود به وظیفه قانونی اش عمل خواهد کرد و همه چیز را با مردم در میان خواهد گذاشت! بلوف؟ شاید هم نه. ولی مثل "سکوت الهام بخش وحدت"، اظهارات اخیر احمدی نژاد نیز نوعی پیشنهاده آتش بس از موضع ضعف بود. آتش بسی که البته طرف مقابل میدانند فقط برای وقت خریدن و تجدید قوا است.

خامنه ای وضع اش ظاهر بهتر و مشغول شگرد همیشگی است. در حالیکه مجلس و قوه قضاییه را بطرف احمدی نژاد کیش داده، خود در نقش "بازجوی خوب" ظاهر میشود و خواهان حفظ احترام رئیس جمهور و یا افشاء نشدن نام اطرافیان دستگیر شده او است! امید خامنه ای این است که بعد از مهار رفسنجانی و موسوی و کروی و دیگر سران و سازندگان دیروز جمهوری اسلامی که امروز بنوعی مغضوب شده اند، حالا احمدی نژاد را نیز تا آن حد افسار بزند که دوره اش به خیر و سلامت تمام شود. با نمونه احمدی نژاد کلکسیون بدیع رهبر حکومت اسلام از مقامات ریز و درشت نظام که امروز در زندان و حبس خانگی قرار دارند و یا ممنوع المنبر و مرعوب شده اند تکمیل میشود. او رئیس جمهوری میشود که گرچه بر سر کار میماند اما در عین حال حق ندارد با جن و امام زمان نشست و برخاست کند و هوس تبدیل شدن به

صفحه ۱۰

نمایش حقارت و فضاخت ناسیونالیستها

و قوم پرستان

سیاسی آینده ایران" بحث کنند. تا اینجا تصویر عیب و ایرادی را نشان نمیدهد. اما حقایق متعدد دیگری در همین گزارش کوتاه به نحوی پوشیده تر و حاشیه ای تر وجود دارد که قابل توجه است و حقایق این کنفرانس و شرکت جمع شده اند تا در مورد "ساختار

کاظم نیکخواه

سایت العربیه گزارش کوتاهی تحت عنوان "کنفرانس مخالفان جمهوری اسلامی" در لندن در آخر هفته گذشته منتشر کرده است. این گزارش میگوید "مخالفان" جمع شده اند تا در مورد "ساختار

اعتراضات گسترده مردم در یونان، انگلیس، فرانسه

شهلا دانشفر، صفحات ۱۲ و ۷

صفحات دیگر

یکصد در ۴۹ شهر دنیا

یک گزارش کوتاه، شیوا محبوبی، صفحه ۹

جواب نامه دولت هلند به نامه شیوا محبوبی در رابطه با ۲۰ ژوئن روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی

محاکمه مخالفین جمهوری اسلامی در برلین یک اسکاندال برای دولت آلمان است

جام جهانی فوتبال زنان بدون مریم مجد در آلمان آغاز میشود

صفحه ۱۰

متن نامه مینا احدی و مریم نمازی به رئیس دفتر پارلمان اروپا

صفحه ۱۱

خط فوق راست در جنبش کارگری جایی ندارد

شهلا دانشفر

کند و کارگران را مدافع احمدی نژاد معرفی نماید، یک خط و گرایش کاملاً راست است. این خط نه به مصالح و منافع کارگران ربطی دارد و نه به واقعیات عیان و آشکاری که جلوی چشم همه مردم قرار دارد. امروز این خط و گرایش بعد از صفحه ۲

فکر میکنم این یک حقیقت آشکار و غیر قابل انکار است که گرایشی که در ایران از یک جناح حکومت اسلامی دفاع کند، قطع سوسید کالاهای اساسی توسط حکومت را به نفع کارگران قلمداد

مصر: بازگشت مردم به میدان تحریر

بهرروز مهرآبادی

تاریک شد و فریاد های هزاران تظاهر کننده با صدای تیراندازی پلیس ضد شورش و نیروهای امنیتی درآمیخت. دوباره با دود گلوله های گاز اشک آور صفحه ۱۲

این هفته فضای شهر قاهره دوباره با دود گلوله های گاز اشک آور

بازتاب هفته

آخرین چاره رژیم در مقابله با دانشجویان

کودکان انتحاری، توحشی غیر قابل توصیف

تحقیر متهمین نمایشی و حشیانه علیه مردم است
بهرروز مهرآبادی

زن تحصیل کرده تهدیدی برای رژیم اسلامی
سهیلا شریفی

افزایش زندانها، تنها چاره جمهوری اسلامی
محمد شکوهی

یورش دیگری؛ قطع "یارانه نقدی"

یاشار سهنهی

صفحات ۵-۴

خط فوق راست در ... از صفحه ۱



سرکوب تظاهرات های میلیونی و گسترده سال ۸۸، تحرک بیشتری یافته است و از متعارف شدن حکومت سخن میگوید و طرحهای ریاضت اقتصادی حکومت را روند شکوفایی اقتصاد جامعه دانسته و کارگران و کل جامعه را به آرامش و امید بستن به بهبود اوضاع فرا میخواند. خطی که صندوق بین المللی پول در گزارش اخیرش در مورد وضع اقتصاد ایران و دادن تصویری موفق و کاذب از دولت، سخنگویش شد. خط حافظ رژیم اسلامی در برابر انقلاب مردم، یک خط شکست خورده و مایوس که راه بهبود اوضاع را در دل همین نظام میجوید. در حول و حوش همین گرایش راست، محافل منزوی ای هم هستند که از همان ابتدا کمی شرمگینانه تر و بنام چپ و کارگر همین خط راست را دنبال میکردند و بنظر من جوابشان را نه فقط ما بلکه کارگران و بخشهای مختلف مردم با مبارزات و مقابله هرروزه اشان با جمهوری اسلامی و کل قوانینش داده اند. این روزها بقایای همین نوع محافل امید واهی برای احیای خویش یافته اند و جنب و جوش تازه ای را آغاز کرده اند. این امید را هم ظاهرا از این بدست آورده اند که از میان کارگران رضا رخشان از سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه نیز با افاضات خود آگاهانه یا نا آگاهانه به این گرایش پیوسته است. آنهم در شرایطی که جنبش کارگری و شرایط جامعه دارد بر راه و مسیر دیگری تاکید میگردد که اشاره خواهیم کرد. اول اجازه دهید مواردی از اظهار نظر رضا رخشان را یادآوری کنم و بعد نشان دهم که این خط، خطی شکست خورده است و کسی نمیتواند آنرا احیا کند و بویژه این غیر ممکن است که این خط را کسی با هر موقعیتی بتواند چپ و یا کارگری قلمداد کند. بلکه هرکس خود را با آن تداعی کند بی افقی و انزوای خود را رقم زده و عملا کنار جمهوری اسلامی قرار میگیرد.

چاک وی، وارد گود شده اند و به اصطلاح با پاسخ دادن به نوشته های دوستانی که تلاش کردند، این نظرات راست را نقد و افشا کنند، میکوشند تا کل دست آوردهای جنبش کارگری و چپ و رادیکالیسم را مورد حمله قرار دهند. بطوریکه بحث ها بسیار فراتر رفته و از جمله از سوی آنان مباحثی اندر نقد جنبش مجمع عمومی و غیره به پیش کشیده شده اند که بطور واقعی سالهاست که در پراتیک مبارزاتی کارگران پاسخ خود را گرفته اند و ما نیز بحث های مفصلی حول و حوش این مباحث داشته ایم و البته بازهم باید جداگانه به آنها پرداخت.

اما رضا رخشان چه گفته است و مباحث او در این دوره چه بوده اند. رضا رخشان در نوشته ای تحت عنوان "یارانه ها، تلاشی برای یک ارزیابی واقعی" در ۲۰ آبانماه امسال، آنچنان اندر وصف هدفمند کردن یارانه ها و اجتناب ناپذیر بودن آن بعنوان تحولی بزرگ سخن میگوید، که گویی یکی از کارشناسان صندوق بین المللی پول یا از دستیاران دست راستی خود احمدی نژاد است که دارد سخن میگوید. او در نوشته اش جریانات چپ را به نقد میکشد که چرا شعار عمومی شان جلوگیری از اجرای طرح یارانه هاست و بعد بحشش حتی از موضوع طرح یارانه ها فراتر رفته و سر از جای خطرناک و راستی در آورده و مینویسد: "اما شرایط در دوره سوم (دولت نهم و دهم) بسیار بهتر از گذشته می باشد بطوریکه در این دوره بسیاری از کارگران توان خرید خودرو پیدا کردند و سطح زندگی کارگران ارتقا پیدا کرد. البته این در هفت تپه و یا شرکت واحد نتیجه مبارزات خود کارگران هم بود اما در مجموع در مورد کارگران بخشهای متعددی صدق می کرد. بخاطر همین بود که در زمان انتخابات سال گذشته (۸۸) دولت احمدی نژاد بشدت ازطرف طیف کارگر و بازنشستگان مورد اقبال قرار گرفت. قطعاً نقش طبقه کارگر و بازنشستگان در انتخابات و پیروزی دولت دهم نقش مهم و اساسی داشته است. و این نشان می دهد که حداقل بخشهای وسیعی از کارگران این دولت را بر دولتهای نوع قبلی ترجیح می دادند" همین نقل قول و صحبت های نازل

از اتومبیل دار شدن کارگران و حمایت کارگران از مضحکه انتخاباتی حکومت و امثال اینها آشکارا نشان میدهد که بحث از حد یک گرایش سیاسی آنهم در اپوزیسیون فراتر میرود و بوهای بدی به مشام میرسد که هشدار دهنده است. همانطور که قبلا هم در نوشته ای دیگر اشاره کردم، این درجه از فلب واقعیت دیگر قابل اغماض نیست. رضا رخشان از استقبال طیف کارگر و بازنشستگان در انتخابات ۸۸ از احمدی نژاد سخن میگوید، اما به راحتی چشمش را بر متوجه خود ساخت مینندد و فراموش میکند که چگونه بعد از همان مضحکه انتخابات میلیونها کارگر و مردم به خیابانها ریختند و عکس احمدی نژاد و خامنه ای را به آتش کشیدند و مرگ بر دیکتاتور گفتند.

رضا رخشان ادعا میکند که در دوره حکومت احمدی نژاد بسیاری از کارگران توانستند صاحب خودرو شوند. ادعایی که هر کارگر معترضی را به خشم می آورد و بدون شک طرح چنین ادعاهایی و چنین مباحثی از جانب او بیش از هر چیز خواننده را به یاد تبلیغات خود حکومت می اندازد و این بیش از هر چیزی به خود او لطمه میزند و کارگران را از وی دور میکند. ادعایی که حتی آمارهای خود دولت نیز آنرا تایید نمیکند. از جمله در همین سال گذشته افزایش سطح خط فقر را بیش از یک میلیون تومان گزارش کردند. رضا رخشان گویی خبر ندارد که بیش از یک میلیون کارگر ماهها دستمزد نگرفته اند و خرید نان شب هم برای آنها مشقتی است چه رسد به خرید اتومبیل. ما شاهد اعتراضات هر روزه کارگران برای گرفتن دستمزدهای ماهها پرداخت نشده شان هستیم. و یک نمونه آن همین نیشکر هفت تپه است که در آن کارگران همواره با اعتراض و مبارزه خود و به قدرت تشکلشان توانسته اند، کاری کند که کارفرمایان جرات نکنند دستمزدهایشان را طولانی مدت به تعویق بیندازند و گرو کشی کنند.

در تداوم همین خط اولترا راست است که می بینیم رضا رخشان وقتی که ۵ سندیکای کارگری مهم فرانسه در حمایت از کارگران ایران در مقابل سازمان جهانی کار، ILO، فراخوان به تظاهراتی در روز ۹ ژوئن میدهند، تظاهراتی که خواست آن آزادی کارگران زندانی از زندان بود و به حضور هیات جمهوری اسلامی در این سازمان

اعتراض داشت، طی پیامی خطاب به آنان میگوید: "بسیاری از کسانی که با ارسال پیام به شما سندیکاهای فرانسه با شما اظهار دوستی می نمایند، در داخل ایران خود نه تنها در ایجاد سندیکاها و اتحادیه های محیط کار فعال نیستند، بلکه در حد توانشان در مقابل سندیکاهای موجود به کارشکنی نیز می پردازند." این هم از همان دست تبلیغات نازل شبیه خرید اتومبیل و حمایت کارگران از احمدی نژاد است. تاکنون عادت داشتیم این نوع تخطئه ها را از بلندگوهای حکومت بشنویم. رضا رخشان با این پیام عملا راه خود را از این اعتراض که مورد استقبال پر شور کارگران سندیکای شرکت واحد و ایران خودرو و کمیته هماهنگی و غیره قرار گرفت، جدا کرده و تحت عنوان مخالفین سندیکا آنها را مورد حمله قرار میدهد. اما در همان پیام کلمه ای هم در مخالفت با حضور هیات جمهوری اسلامی و مزدوران شورای اسلامی و خانه کارگر در این اجلاس سخن نمیگوید و عملا در کنار جمهوری اسلامی قرار میگیرد.

نمونه دیگر نشانه های این خط فکری راست رضا رخشان را در قطعه نامه اول مه سندیکای نیشکر هفت تپه میتوان دید. این سندیکا که هر ساله نامش در لیست عمل مشترک کارگران حول منشور مطالبات حداقل کارگری و قطعه نامه های کارگری بود. قطعه نامه هایی که خواست لغو مجازات اعدام در راس خواستهای کارگران قرار داشت ویر زندگی ای انسانی تاکید میگذاشت. امسال در عمل جداگانه ای به مناسبت اول مه بیانیه مستقل خود را میدهد. قطعه نامه ای که علیرغم ذکر یکسری از خواستهای کارگران، گام ها از قطعه نامه هایی که قبلا امضای این تشکل پای آن بود عقب تر است و از جمله دیگر در آن اثری از خواست لغو مجازات اعدام نیست. حتی فراتر از آن در این بیانیه سندیکای نیشکر هفت تپه زیر چتر مدیریت رضا رخشان، مجلس اسلامی را تریبون نمایندگی مردم خوانده و در نوشته هایش نه تنها عملا به دفاع از سیاستهای اقتصادی احمدی نژاد و حذف یارانه ها برمیخیزد بلکه در این بیانیه سندیکای نیشکر هفت تپه از عدم حضور نمایندگان کارگران در کمیسیون یارانه های مجلس اسلامی و مشارکت مستقیم آنها در اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها" این طرح

ریاضت اقتصادی و حمله به معیشت کارگران و کل جامعه گله دارد. و مینویسد: "در آخرین اقدام بر علیه منافع کارگران مجلس شورای اسلامی نیز قانونی را به تصویب رسانده است که بر طبق آن تنها دارندگان مدرک کارشناسی ارشد می توانند برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی کاندید شوند. به این ترتیب تریبون نمایندگی مردم رسماً مانع حضور توده کارگران می شود و چیزی نمانده است که میزان معیشتی از دارائی را شرط انتخاب شدن قرار دهند. (خط تاکید از من)".

مجموعه این چرخش ها لب و اساس آن نگرش اولترا راستی است که در نوشته های اخیر رضا رخشان می بینیم. نگرشی که به محافل راست منفرد و منزوی ای چون بهمن شفیق و عباس فرد و غیره فرصت میدهد که با کل ساختار فکری راست خود وارد معرکه شده و پشت وی بعنوان فعال کارگری سپر بگیرند و رادیکالیسم و چپ را نشانه روند. اما همانطور که بالا تر اشاره کردم واقعیات امروز جنبش کارگری و اوضاع سیاسی جامعه شکست و بی افقی این خط را به روشنی نشان میدهد. رضا رخشان عضوی از سندیکای نیشکر هفت تپه، عضوی از تشکلی است که کارنامه مبارزاتی اش جهت دیگری، جهت کاملاً عکس این را داشته است و با این نوع تبلیغات بی ربطی خود را به روشنی به خواستها و مبارزات کارگران هفت تپه نشان میدهد. تشکلی که خود از امضا کنندگان منشور مطالبات کارگری و طومار اعتراضی حول خواست افزایش دستمزد ها و غیره است. از امضا کنندگان قطعه نامه های رادیکال و انسانی ای که براسستی خواستهای کل جامعه و کل مردم را نمایندگی کرده است.

مساله اینست آنقدر که رضا رخشان به عقایت خوش طرح هدفمند کردن یارانه های رژیم امید بسته است، خود رژیم مدعی آن نیست و اینرا در جنگ درونی شان بوضوح می بینیم که چگونه دارند عدم موفقیت ها و شکست هایشان را به سر هم میکوبند. ظاهر قضیه اینجاست که سرکوب مبارزات مردم در سال ۸۸ به چنین گرایشهای راستی فرصت داده است که خود را عیان کنند. اما واقعیت مهمتر اینست که جمهوری

نمایش حقارت و ... از صفحه ۱



کازم نیکخواه

شکست نیز برطرف شده است. و این شکستی کامل برای جریانات قوم پرست و ناسیونالیست و راست بود.

بوی گند و خون فدرالیسم

از همین گزارش کوتاه روشن است که این کنفرانس يك حقارت و فضاحت تمام بوده است. اینها میخواستند فیلی هوا کنند و بعنوان "مخالفتان جمهوری اسلامی" نمایش وحدت و قدرت بدهند و آبروی رفته در ماجرای مدحی را بازگردانند. اما همه چیز نشان میدهد که حتی نتوانستند در مورد يك قطعه نامه و بیانیته ساده به توافق برسند و حتی گزارش مستقلى از این تجمع را در جایی نمیشود دید. از همان ابتدای بحثهایشان بر سر نام خوزستان و اهواز دعوایشان شروع میشود و گزارش میگوید که نزدیک بود که کنفرانس از هم بپاشد. در قسمتی از تجمع طرفداران سلطنت علیه کریم عبدیان نماینده قوم پرستان اهواز حتی شروع به شعار دادن و تظاهرات میکنند و سخنرانی او را چند بار قطع میکنند.

لازم نیست انسان سابقه و پیشینه جریانات شرکت کننده را بشناسد تا متوجه لجن و کثافتی شود که ناسیونالیسم و قوم پرستی با خود حمل میکنند. همین حقایق مورد اشاره نشان میدهد که اینها از نظر سیاسی به چه سناریوی خونین و سیاهی تعلق دارند. پاسدار و شکنجه گر جمهوری اسلامی میتواند به صرف کنار کشیدن از جمهوری اسلامی به قهرمان و شریک قدرت اینها تبدیل شود. و این نشان میدهد که اینها با خود جمهوری اسلامی هم مشکلی ندارند و این جمهوری اسلامی است که این جماعت را به بازی نگرفته است. و مگر موارد کمی بوده است که به این حکومت کثیف و ضد انسانی تك تك اینها مستقیماً چراغ سبز داده اند؟ اینها مشکلی اساسی با حکومت اسلامی ندارند اما به جنب و جوش افتاده اند چون بوی الرحمن جمهوری اسلامی را شنیده اند. شاهد يك جنبش سرنگونی فعال هستند که راهی جز زباله دان برای حکومت اسلامی باقی نگذاشته است. اگر

کسی میخواهد سناریوی سیاه تر و خونین تر از جمهوری اسلامی برای جامعه را تصور کند باید به سناریوی همین جماعت مرتجع فکر کند. سناریوی این جماعت برآستی سیاه تر و خونین تر از سناریوی جمهوری اسلامی است. این کنفرانس تجسم فدرالیسم را برای هرکسی ساده تر ساخت. واقعا تصور کنید که روزی همین جماعت شرکت کننده در کنفرانس کذایی را عینا در راس جامعه ایران قرار دهند. تاکید کنم که خوشبختانه در شرایط سیاسی ایران این يك غیر ممکن سیاسی است. اما تجسم آن غیر ممکن نیست. همین بحثی که در کنفرانس اینها را به جان هم انداخت از همان روز اول موضوع يك جنگ خونین و تمام عیار میشود. از همان روز اول اینها بر سر نام خوزستان و آذربایجان به جان یکدیگر می افتند و خون و خونریزی راه می اندازند. تازه اینها وارد بحث حریم به اصطلاح مناطق فدرال نشدند. و گرنه در همین کنفرانس هم با چاقو و چاقو کشی به یکدیگر پاسخ میدادند. اینکه مرز کردستان و آذربایجان از کجا کشیده میشود، اینکه کدام شهرها و روستاها جزو این یا آن منطقه فدرال قرار میگیرند، و هر ابهام دیگری موضوع يك نسل کشی تمام عیار است. آیا تجسم سناریوی اینها هرکسی را بیاد رواندا و یوگسلاوی نمی اندازد؟ اینها نمایندگان تمام سناریوی سیاه در جامعه هستند.

خطر فدرالیسم و تفرقه قومی؟

و بالاخره يك نکته را هم تاکید کنم. جنب و جوش و تقلاي جریانات قومی و ناسیونالیستهای رنگارنگ در سیاست ایران بوضوح قابل مشاهده است. تلاش بسیاری میشود که مردم ایران را به اقوام تقسیم کنند. ارتجاع قومی تلاش میکند شناسنامه های عهد عتیقی را بیرون بکشد و از زیر آوار تاریخ، برای مردم مناطق مختلف هویت قومی بیرون بکشد. اما جامعه ایران نه روانداست نه یوگسلاوی. این جامعه ای است که يك انقلاب را پشت سر گذاشته و متحدانه حکومت شاه را سرنگون کرده است. این جامعه ای است که سی سال است در حال جنگ و جدال با يك حکومت مرتجع اسلامی و سرکوبگر و عهد عتیقی است. این جامعه ای است که مردم در آن در مبارزاتشان بر انسانیت و همبستگی و حقوق و کرامت جهانشمول انسان

تاکید میگذارند. جنبش زنان آزادخواه يك فاکتور سیاسی کاملاً قابل مشاهده است. جنبش مدرن و پیشرو خلاصی فرهنگی جوانان يك فاکتور کاملاً عینی است. جنبش حق طلبانه کارگری در سراسر ایران با خواستهایی اساساً واحد و پیشرو مدام جریان دارد. چپ این جامعه قوی و اجتماعی است و آلترناتیو و برنامه روشن و پیشروی را ارائه داده است که بر کل فضای سیاسی تاثیرات غیر قابل انکار گذاشته است. خواستههای پیشرو و انسانی مثل حقوق کودک و حقوق برابر زن و مرد و جنبش ضد سنگسار و ضد ارتجاع مذهبی فضای سیاسی ایران را شکل میدهد. دانشجویان در این جامعه شعار میدهند يك کره زمین يك انسان، معلمان شعار میدهند منزلت معیشت حق مسلم ماست، اول مه و هشت مارس روزهای شاخص و مهمی در ایران هستند که توسط بخشهای مختلف کارگران و زنان و مردم در سراسر ایران مورد استقبال قرار میگیرند. سمبلهای مبارزه در ایران قهرمانان ناسیونالیستها و قوم پرستان نیستند. بلکه امثال فرزاد کمانگر و ندا آقا سلطان هستند که بر آزادی همگان و عشق به تمام انسانیت پافشاری میکنند. به این لیست میشود فاکتورها و جنبه های بسیار بیشتری را اضافه کرد. این جامعه ای است که نشان داده است مصمم است با انقلاب و قدرت مردم آینده سیاسی خود را بسازد و با توطئه و دسیسه و بازیهای شنیع پشت پرده جریانات

خط فوق راست در ...

اسلامی بر دریایی از خشم و نفرت جامعه حکومت میکنند، و اگر چه رژیم توانست با سرکوب کردن، تظاهرات های مردم در خیابانها را جمع کند، اما نتوانست جنبش انقلابی مردم را خاموش کند و امروز می بینیم که مردم در کمین فرصتی هستند که بیرون بریزند و بساط این رژیم را جارو کنند. بویژه تحرك کارگری شاهدش هستیم، پاسخ روشنی به همه این دیدگاهها میدهد. از جمله در همین چند ماه اخیر ما شاهد به میدان آمدن هزاران کارگر در پتروشیمی ماهشهر، این مرکز مهم کلیدی کارگری، با خواست تعرضی کوتاه شدن دست پیمانکاران از شرایط کارشان بودیم. اعتراضی که هم اکنون در آخرین ماه در مهلت سه ماهه این

مرتجع بورژوازی سر سازگاری ندارد. آنچه میخوایم بطور خلاصه تاکید کنم اینست که سناریوی سیاه فدرالی و قومی در ایران با وجود يك چپ قدرتمند و فعال و رادیکال و با توجه به جنبش پیشرو مبارزاتی و انسانی و حق طلبانه، و همچنین باید اضافه کنم با توجه به کل فضای انسانی و انقلابی در منطقه شانس چندانى ندارد. طبعاً این به همت ما کمونیستهای کارگری گره خورده است که این جنبش و این مردم و اتحاد و رفاه و شادی شان را با تمام توان نمایندگی کنیم و این گنداب قوم پرستی و فدرالیستی را بی محابا افشا و منزوی کنیم. جامعه ایران اگر بخواید بعد از بیش از سی سال کشتار و فلاکت و ارتجاع عهد عتیقی قد راست کند و طعم زندگی و شادی و رفاه را بچشد و در فضایی بدون جنگ و کشتار و لشکر کشی نفس راحتی بکشد، باید خود را پشت این چپ و این حزب متشکل کند که بر حقوق انسانی و برابر همه انسانها مستقل از ملیت و جنسیت و مذهب و عقایدشان تاکید میگذارد و تلاش میکند کل مردم را به میدان بکشد و با اتکا به قدرت انقلاب سراسری کارگران و توده مردم، جمهوری اسلامی را تماماً با همه نهادها و قوانین و سنتهایش جارو کند، تعصبات و تفرقه افکنی های مذهبی و قومی و ملی را از فضای سیاسی این جامعه پاک کند، و در عین حال ذره ای جا برای تبعیضات و تحقیرهای ملی و قومی و جنسی باقی نگذارد.*

از صفحه ۲

کارگران برای اجرایی شدن خواستشان قرار داریم و بدون شك موفقیت آن تحولی بزرگ در جنبش کارگری خواهد بود. همچنین اول مه سرخ و رادیکال را با شعار زنده باد سوسیالیسم پشت سر گذاشتیم، و هفت تشکل کارگری نیز در عملی متحد قطعه نامه ای دادند که در آن بطور واقعی کيفرخواست خود را علیه توحش سرمایه داری اعلام و اعتراض کل جامعه علیه فقر و فلاکت را به صدا درآوردند و ما شاهد آتیم که اعتراضات کارگری نیز هر روزه وسیعتر و گسترده تر میشود. در چنین شرایطی بلند شدن چنین ززمه های راست و شکست طلبانه ای، راه به جایی نخواهد برد و بطور واقعی جایی در جنبش کارگری نداشته و ربطی به مبارزات کارگران ندارد.*

تحقیر متهمین نمایشی و حشیانه علیه مردم است

بهرروز مهر آبادی

را در خیابانها می گرداند و از این طریق می‌خواهد در عین حال موجودیت خود را به رخ جامعه بکشد.

بخشی از قربانیان بی‌دفاع قوانین سادیستی و جنون آمیز اسلامی کودکانی هستند که بجای برخورداری از امکان آموزش، امنیت



و رفاه مورد شکنجه و آزار و تحقیر قرار می‌گیرند. هفته قبل در رسانه های جمهوری اسلامی تصاویری از این کودکان منتشر شد در حالی که مقابلی به گردن آنها آویخته شده و با چشمان بسته ساعتها در زیر آفتاب مانده اند. این عمل جنایتبار در شهر مشهد و توسط مقامات قضائی و امنیتی آن شهر انجام شد و خبرگزاری مهر خبر و تصاویر آن را منتشر ساخت.

روشن است که جمهوری اسلامی يك حکومت وحشی گری و عهد عتیقی است و این روشهای ضد انسانی نیز جزئی از موجودیت آن است. اما با کمی دقت هرکس متوجه میشود که این قوانین و وحشی گریها در مقاطعی که مبارزات و اعتراضات مردم علیه حکومت اوج و گسترش بیشتری میگیرد، بیشتر به کار گرفته میشود. در مقابل این وحشی گری ضد انسانی علیه متهمین تنها راه نشان دادن نفرت و انزجار نسبت به حکومت است. متهمین و دستگیر شدگان حتی اگر جرمی مرتکب شده باشند باید از حقوق خویش برخوردار شوند و در فضایی انسانی بتوانند از خود دفاع کنند. شکنجه و تحقیر و خرد کردن روحیه آنها، خلاف شئون برسمیت شناخته شده بین المللی است. *

برای همیشه از صحنه تاریخ پاک کند. *

گرمه های دارالخلافة اسلامی در قم روز یکشنبه ۵ تیر دو متهم را سوار بر يك وانت در خیابانهای شهر گرداندند در حالی که اسامی و جرم آنها روی کاغذی نوشته و بر سینه آنها نصب شده بود. این کار به

دستور مدعی العموم انجام گرفت. بسیاری از متهمین و یا کسانی که بر اساس قوانین اسلامی "مجرم" شناخته شده اند، مورد این رفتار غیر انسانی قرار گرفته اند. دو هفته قبل خبر گرداندن يك جوان به شکلی تحقیر آمیز در خیابانهای تهران انتشار یافت. شهرهای دیگری نظیر تبریز، آستارا، مشهد، کرمانشاه نیز شاهد چنین رفتارهای توهین آمیزی بوده اند. به کارگیری این روشها فقط علیه متهمین و دستگیر شدگان نیست. این تقلاي حکومت منفور جمهوری اسلامی برای نمایش قدرت است. حکومت می‌خواهد به مردمی که می‌خواهند کل بساطش به زباله دان بریزند قدر قدرتی خود را یادآور شود. مقامات جمهوری اسلامی بارها اقدام با انجام شیوه های چندش آور نظیر تراشیدن سر، گذاشتن کلاه بوقی، آویزان کردن آفتابه به گردن و پوشاندن لباس زنانه به متهمین و مجرمین، ابتدائی ترین اصول پذیرفته شده جهان متعلمن امروز را زیر پا گذاشته اند. نمونه آخر یعنی پوشاندن لباس زنانه به متهمین و مجرمین مرد به قصد تحقیر آنها، تفکر ضد زن و قرون وسطائی گرداندگان رژیم را نیز نشان می دهد. رژیم به قصد نابود کردن شخصیت انسانی این افراد آنها را "راذل و اوباش" لقب داده، اسامی آنها را در رسانه ها اعلام کرده و آنها

ندارند و بشریت ناچار است برای پیش رفتن و دست یابی به زندگی انسانی این فسیلهای ضد بشری و درنده خو را

دادن يك دگمه مواد منفجره ای را که در يك جلیقه کار گذاشته شده بود، در کنار افراد پلیس منفجر کند. در اردیبهشت ماه گذشته چهار پسر بچه که همگی زیر ۱۳ سال سن داشتند توسط پلیس پاکستان شناسائی و بازداشت شدند آنها قرار بود برای طالبان عملیات انفجار انتحاری انجام دهند. در سالهای اخیر فیلم های مستندی از اردوگاه های نظامی که در آن کودکان برای انجام عملیات انتحاری شستشوی مغزی شده و آموزش می بینند، منتشر شده است. پخش این فیلم ها را می توان ادامه سیاست نیروهای اسلامی برای ایجاد ترس و وحشت دانست. آنها هیچ ابائی ندارند اعلام کنند که برای پیشبرد سیاست های ارتجاعی خود از هیچ جنایتی رویگردان نیستند. گزارشات منتشر شده فاش کرده است که بسیاری از این کودکان بخاطر انجام عملیات نظامی تحت تاثیر مواد مخدر قرار می گیرند.

استفاده از کودکان در عملیات نظامی و عملیات انتحاری از روشهای متداول نیروهای ضد انسانی اسلام سیاسی است. در جنگ ایران و عراق هزاران کودک توسط جمهوری اسلامی به میدان های جنگ و به روی میدان های مین فرستاده شدند. ماجرای حسین فهمیده کودک ۱۳ ساله ای که به خود نارنجک بست و يك تانک عراقی را منفجر کرد، موضوع کتاب های درسی کودکان در جمهوری اسلامی است. رژیم تلاش می کند که مرگ، جنگ و کشتار را بعنوان پدیده های عادی وارد ذهن کودکان کند. وادار کردن افراد به انجام عملیات انتحاری برای مقاصد سیاسی و یا مجاز دانستن آن عملی غیر انسانی است و به هیچوجه قابل توجیه نیست. در چنین سیاستی جان و زندگی انسانها هیچگونه ارزشی ندارد. اما استفاده از کودکان برای عملیات نظامی و انتحاری توحش محض است. کودکان قدرت تشخیص و درک مسائل سیاسی را ندارند و حتی مانند دو دختر بچه ای که ذکر شد بزور وادار به اینکار شده اند. اسلام سیاسی و نیروهای اسلامی خود را در سراشيب مرگ می بینند و برای زنده ماندن به هیچ معیار اخلاقی و ذره ای حقوق انسانی پایبند نیستند. مردم افغانستان، پاکستان، ایران و مردم سایر کشورهای اسلام زده این واقعیت را هزاران بار تجربه کرده اند. این جریانها هیچ ربطی به بشریت امروز

بازتاب هفته

آخرین چاره رژیم در مقابله با دانشجویان



بهرروز مهر آبادی

استقرار گارد ضد شورش در دانشگاهها و حمله اوباش سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی ها تاکنون نتوانسته است از اعتراض های دانشجویی جلوگیری کند. رژیم خیر از تاسیس حوزه علمیه در دانشگاهها را داد. بخشنامه ایجاد حوزه های علمیه در دانشگاهها در اواسط اردیبهشت ماه صادر شد. و سه شنبه گذشته حجت کاشفی مدیر حوزه دانشگاه خواجه نصیر از تاسیس حوزه علمیه در ۲۸ دانشگاه خبر داد. دانشگاه صنعتی خواجه نصیر از مراکز مهم اعتراضات و تظاهرات دانشجویی بر علیه جمهوری اسلامی بوده است. تعداد زیادی از دانشجویان مبارز این دانشگاه در زندانها بسر می برند و یا از تحصیل تعلیق و از دانشگاه اخراج شده اند. دانشجویان این دانشگاه شاهد حمله پاسداران به دانشگاه و دستگیری دوستان آزادیخواه خود بوده اند.

از اولین روزهای پس از قدرت گیری جمهوری اسلامی حمله مزدوران رژیم به دانشگاهها آغاز شد. در سال ۵۹ این حملات به اوج رسید و رژیم تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" همه دانشگاههای کشور را تعطیل کرد. دانشگاهها پس از يك تصفيه خونين بعد از دو سال بازگشائی شد. اما کشتار و سرکوب دانشجویان و استادان آزادیخواه و مترقی و تصفيه ها و فیلترها نتوانست مانع از بوجود آمدن فضای ضد رژیم در دانشگاهها شود. برقراری نماز جمعه در دانشگاه، دفن کشته شدگان جنگ در محوطه دانشگاه، تاسیس بسیج دانشجویی، استقرار نیروهای مسلح در دانشگاهها و خوابگاهها، اجباری کردن متون اسلامی، تفکیک جنسیتی دانشگاهها و جداسازی دختران و پسران و ... هیچ کدام نتوانست سنکر دانشگاه را خاموش کند. پروژه نزدیک سازی حوزه و دانشگاه و تلاش برای اسلامی کردن

محیط دانشگاهها از زمان حیات خمینی آغاز شد. اما نیروهای اسلامی در مراکز دانشگاهی همیشه منزوی بوده و مورد تمسخر بودند. گسترش اعتراضات دانشجویی و فضای چپ و سکولار دانشگاهها رژیم را به وحشت انداخت تا جایی که خامنه ای رسماً خواست حذف بسیاری از رشته های علوم انسانی و اسلامی کردن متون آموزشی دانشگاهها را مطرح ساخت. اما این طرح هم به آسانی پیش نمی رود معاون وزیر علوم در مراسمی در ۲۷ خرداد عاجزانه گفت: "اسلامی کردن علوم انسانی در کشور از رفتن به فضا هم سخت تر است" و حتی در رسانه های اسلامی در مورد "خطر بزرگ تفکر دانشگاهی برای حوزه های علمیه" هشدار دادند. اما ظاهراً رژیم چاره ای جز این ندارد که برای گسترش سرکوب، جاسوسی در بین دانشجویان و ممانعت از اعتراضات دانشجویی طلاب و آخوند ها را هم به دانشگاهها وارد کند. پروژه "حوزه های علمیه در دانشگاهها" عرصه های دیگری از تلاقی توحش، جهل و خرافات عصر حجری اسلامی با تمدن جهان امروز و دانشجویان نماینده آن، خواهد بود. نتیجه این جدال را تاریخ بشر بارها نشان داده است. *

کودکان انتحاری، توحشی

غیر قابل توصیف

بهرروز مهرآبادی

روز ۵ تیر يك دختر بچه ۸ ساله افغانستانی در حالی که يك کیف دستی حامل مواد منفجره را در دست داشت خود را به محل استقرار يك واحد پلیس در شهرکی در شرق افغانستان رساند. کیف دستی منفجر گردید و دختر کوچک جان خود را از دست داد. این اولین بار نیست که نیروهای اسلامی کودکان را وادار به انجام عملیات انتحاری می کنند. روز ۳۱ خرداد خبرگزاری پاکستان گزارشی را منتشر ساخت که يك دختر بچه ۹ ساله توسط نیروهای اسلامی ربوده شده و مجبور به حمل يك جلیقه مواد منفجره شد تا آن را در کنار يك مرکز پلیس منفجر کند. سوهانا جاوید از این کار سرباز زد و توانست جان سالم بدر ببرد او سپس در يك مصاحبه تلویزیونی گفت که ریاستدگان به او یاد بودند که فشار

بازتاب هفته

افزایش زندانها، تنها چاره جمهوری اسلامی



محمد شکوهی

دستگیری وزندان یکی از حربه های کثیف جمهوری اسلامی و یک ابزار مهم سرکوب می باشد. به همین خاطر جمهوری اسلامی در طول بیش از سه دهه حاکمیت ننگینش صدها هزار نفر را دستگیر، زندانی و بیش از صد هزار نفر را اعدام کرده است. صدها زندان و شکنجه گاه آشکار و مخفی ساخته است. زندان یک حربه و سلاح حکومت برای حفظ و تثبیت پایه های قدرت آنست. در روزهای اخیر در همین رابطه و در مورد "اهمیت زندان" برای حکومت، مستولان قضایی و زندانهای رژیم آمار و ارقامی ارائه کرده اند. به گفته رئیس سازمان زندانها: "ظرفیت اسمی زندانهای کشور ۵۵ هزار نفر است، اما بیش از ۲۲۰ هزار نفر زندانی هستند." به گفته یوسفیان، عضو کمیسیون قضایی مجلس: "آلان چهار برابر ظرفیت موجود، زندانی داریم و در بعضی جاها تا هشت برابر هم رسیده است؛ یعنی زندانی که ظرفیت صد زندانی را دارد، هشتصد زندانی را در خود جا داده است؛ این وضعیت را می توان در برخی شهرستانها نیز مشاهده کرد." یونس موسوی عضو کمیسیون قضایی مجلس گفت: "که تعداد زندانیان در زندانها به حلی زیاد است که بعضی از آنها مجبورند در راه پلها بخوابند" در اواسط خرداد ماه امسال هم سخنگوی قوه قضائیه رژیم اعلام کرد که "بیش از ۱۰ میلیون پرونده منتظر رسیدگی در دادگاهها می باشند". سه ماه قبل اسماعیلی، رئیس سازمان زندانها گفت: "تعداد زندانیان ظرف یک سال و نیمی که از دوره مسئولیت او می گذرد، ۵۵ هزار نفر افزایش داشته است". اینها اظهارات مقامات و مسئولان قضایی جمهوری اسلامی پیرامون تعداد زندانیان است که این روزها در رسانه های حکومتی اعلام می شود. جانین اسلامی با اعلام این آمار و با بی شرمی و وقاحت خواهان گسترش ساخت زندانهای جدید و

شکنجه گاهها و اختصاص هزینه های هزاران میلیاردی برای اینکار می شوند. به بهانه "تامین امنیت جامعه"، و در واقع برای تامین امنیت حکومت و ایجاد رعب و وحشت، تعداد زندانها و استفاده از حربه زندان، شکنجه و اعدام را هر روز و هر سال بالامی برند. خود حکومت و مقامات رژیم اعلام می کنند که نزدیک به یک سوم جمعیت بالای ۱۸ سال کشور "پرونده دار" می باشد. و بالاخره اوایل اردیبهشت ماه بود که رئیس سازمان زندانهای رژیم اعلام کرد که بیش از ۳۰۰ زندان، بازداشتگاه و اردوگاه دایمی دوسال آینده ساخته می شود. جمهوری اسلامی بدون زندان، و اعدام و سرکوب معنا ندارد. افزایش تعداد زندانها و افزایش موج سرکوب نشانه درماندگی هر چه بیشتر رژیم در مقابل مردم و در مقابل اعتراضات مردمی است که سرنگونی رژیم را هدف خود قرار داده اند.*

یورشی دیگر؛ قطع "یارانه نقدی"

یاشار سهندی

قرار است از شهریور ماه پرداخت نقدی همان چندروزه پول که بابت حذف یارانه ها به بخش محدودی از مردم پرداخت میگردد، قطع گردد. و دولت ظاهرا برای رفاها (!) حال شهروندان "گارت انرژی" صادر خواهد کرد تا مردم بی دغدغه (!) پول آب و برق و گاز را بپردازند. خبر منتشره حاکی است اگر پولی باقی ماند نزد دولت محفوظ میماند تا یک روزی، که فقط خدا میداند چه روزی است پول باقی مانده پرداخت شود. این خبر در روزنامه های رسمی حکومت آن کنار گوشه ها روزنامه و جوری که همه در عین حال بفهمند منعکس شد. عقلا و کارشناسان این حکومت و دولت و مجلس هیچی نگفتند تا شاید یواشکی بشود پرداخت این پول را نیز حذف کنند. اما مهمتر از آن ظاهرا توده مردم هم هیچی نگفتند اما معاون پارلمانی احمدی نژاد بعد از چند روز گفت: هدفمندی یارانه ها یک قانون است و ثابت خواهد ماند و هرگونه شایعه ای مبنی بر قطع یارانه ها صحت ندارد. "اما نفس پخش این خبر و بعد تکذیب آن نشان میدهد که همانگونه که پیش بینی میشد رژیم در پی آن است که این پول را نیز فقط

به بخش محدودی از مردم پرداخت میشود، قطع کند. چون هدف از ابتدا همین بوده که هیچ کمکی به مردم نگردد و هر کس هر قدر زور دارد گلیم خودش را از آب بکشد بیرون. پرداخت نقدی این پول صرفا بخاطر این بود که صدای اعتراض مردم بلند نشود تا مرحله اول این طرح به اجرا گذاشته شود. اما اکنون این حکومت دارد مزمنه میکند که این را هم حذف کند. نه به این دلیل که مرحله اول طرحشان عملی شده است بلکه به این دلیل که کل این طرح دارد به شکست کامل میرسد و تنها دزدیهاست که ته آن برای مردم میماند. تازه کل این پول حتی بطور کامل نیز به همه آنها که گفته بودند پرداخت میشد، به هیچوجه جبران گرانی فزاینده بعد از اجرای طرح حذف یارانه ها را نمیکرد که بماند بهانه ای شده بود که قیمتها بالاتر هم برود. قبوض آب و برق و گاز یکباره چندین برابر شد اما از طرف دیگر همه کالاهای که مایحتاج اولیه زندگی بشدت گران شد. میگفتند: "دولت پولش را داده!"، و صرفا آب و برق و گاز گران نشد بلکه همه اجناس گران گردید و این گرانی در مرحله اول متوقف نشد بلکه بشدت جریان دارد و به سیر صعودی خود ادامه میدهد. در همین ابتدای تابستان امسال به گزارش رسمی روزنامه های حکومت ۳۰ درصد دیگر همه چیز گران شده است. اما وقتی گزارش رسمی تری میدهند نرخ گرانی را کمتر از ۲۰ درصد و حتی ۱۲ درصد اعلام میکنند. اما برای نمونه شیر یارانه ای کلا قطع شد و همان شیر بی کیفیت از ۳۵۰ به ۵۵۰ تومان افزایش یافته است. کرایه حمل و نقل عمومی دو برابر شده است. قیمت فزاینده میوه ها عملا بهداشت و سلامتی مردم را تهدید میکنند، خدمات درمانی هم که معرف حضور همه است. در ماه اول حذف یارانه ها به نانوایی ها آرد باکیفیت تری میدادند که توجیه گرانی نان باشد. اما بعد از مدت کوتاهی نان به شدت بی کیفیت شده است اما قیمت نان به شدت بالا رفته است، میگفتند چون نان ارزان است مردم بی جهت آنرا میخرند تا بیایات شود بعد بریزند دور! اما بی شرمانه مخفی میکردند که این کیفیت نان است که موجب دور ریزی آن میگردد و اکنون مردم مجبور هستند نانی که قابل خوردن نیست را بهر مصیبتی شده یک جوری مصرفش کنند و اسم این را هم گذاشتند جا افتادن صرفه جویی. مردم عملا

زن تحصیل کرده تهدیدی برای رژیم اسلامی



سپهילה شریفی

نورالله حیدری دستنابی عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: "اگر تحصیل به عنوان یک نقطه کمال برای دختران در نظر گرفته شود، این ایرادی ندارد اما نکته اینجاست که همزمان با ادامه تحصیل زنان میل به اشتغال در آنان ایجاد می شود و به جایگاه خانواده آسیب می زند". به باور ایشان "زن اگر بپذیرد که وظیفه اصلی اش خانه داری و مادری است دانشگاه رفتنش هم تهدیدی برای کسی به شمار نمی آید، ولی اگر دختران کمال مطلوب را در دانشگاه رفتن و کار گرفتن ببینند تهدیدی جدی محسوب می شوند و جامعه باید شرایط مناسب با جنسیت دختران فراهم کند که تحصیل و اشتغال زنان لطمه ای در بنیان خانواده نزند و تهدیدی برای موقعیت تحصیلی و شغلی مردان نباشد". صحبتهای این عضو کمیسیون آموزش تازه و خارج از انتظار نیست. صحبتهای او را اگر کمی خراش دهیم به طالبان می رسمیم که معتقدند وظیفه زن خانه داری و شوهرداری است و برای این کار احتیاجی به درس و آموزش ندارد و می تواند آشپزی و رفت و روب و سرزیر بودن و فرمانبرداری را از مادرش یاد بگیرد و وقتی هم که هنوز بچه است (مثلا ۹ ساله) شوهر داده شود تا مبادا بزرگتر که شد یاد بگیرد و نافرمانی کند. اینها هم اگر بتوانند مانند طالبان در افغانستان به کلاسهای درس دختران حمله می کردند و آنها را زنده زنده در آتش می سوزانند.

وحشتشان از زنان تحصیل کرده

مجبور هستند که در خانه های نیمه تاریک زندگی کنند از ترس پول برق. و حکومت وقیحانه اعلام میکنند "در مصرف انرژی برق کاهش داشتیم"، بستنی نیم لیتری ساده که ۱۰۰۰ تومان بود یکباره شده ۱۵۰۰ تومان، بستنی چوبی معروف به عروسکی ۲۰۰ تومان گرانتر شده است. از کدام

قابل فهم است. زنی که درس می خواند و با علم و دانش مسلح می شود براحتی زیر بار قوانین عهد حجری اینها نمی رود. زنی که یاد میگیرد با کامپیوتر و اینترنت کار کند و با فشار چند دکمه دنیا را بروی صفحه کامپیوترش ببیند، تاریخچه مبارزات زنان در دنیا را بخواند و از دستاوردهای آنان باخبر شود نخواهد پذیرفت که مانند فاطمه برده و مطیع و کم توقع باشد. تحصیل دری است که به زن و جوان امروزی ایران یاد می دهد که زندگی برده وار محتوم نیست و می توان طور دیگری زندگی کرد و این دقیقا چیزی است که جمهوری اسلامی از آن وحشت دارد. تاریخ این سه دهه عمر ننگین جمهوری اسلامی پر است از جنگ و کشمکش برای به تمکین واداشتن زنان. و علیرغم تلاشهای فراوان نه تنها نتوانسته اند زنان را به عقب برانند بلکه برعکس هر سال با آمار بیشتری از دخترانی که در کنکورها قبول می شوند و به دانشگاهها و تحصیلات عالی راه پیدا می کنند، روبرو می شوند. تحصیل در دانشگاه همچون حجاب و جداسازی های جنسیتی تبدیل به یکی دیگر از میادین جنگ بین زنان و جمهوری اسلامی شده است. زنان در ایران بدرستی تشخیص داده اند که اگر بخواهند کوچکترین حق و حقوقی داشته باشند و بکلی از هویت انسانیشان خلع نشوند باید با تمام قوانین ارتجاعی و ضد زن رژیم بجنگند، باید درس بخوانند، دانشگاه بروند، حرفه و مهارت بیاموزند، کلاس زبان و موسیقی و شنا و رقص و غیره داشته باشند و در اداره امور جامعه حضور داشته باشند. دقیقا بخاطر قوانین ضد زن جمهوری اسلامی است که زن مدرن، امروزی و تحصیلکرده ایران بزرگترین تهدید برای بقای این رژیم محسوب می شود. آنها زنان را هرروز در خیابانها رو در روی خویش می بینند.*

کالا صحبت به میان آوریم که به مراتب گران نشده است؟ البته یک کالا هست که گران نشده بلکه با این طرح ارزان تر هم شده است و آن کالا، نیروی کار است و با قطع این پول نیز نزول بیشتری هم خواهد کرد، هدف این طرح هم همین است.

منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی



۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۶- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، ملیت و تابعیت

۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگانشان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۸- تامین فوری مبرم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش.

ضامن تحقق اهداف فوق قدرت مردم است. مردمی که با انقلاب خود

جمهوری اسلامی را سرنگون کرده اند باید متحد و متشکل به حضور فعال در عرصه سیاست ادامه دهند، هر نیروی مانع تحقق اهداف فوری فوق و کل خواستهای انقلاب را کنار بزنند و اداره امور را خود در دست بگیرند.

سرنگونی حکومت و درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی به معنی تحقق اهداف زیر است:

۱- خلع ید ولی فقیه، رئیس جمهور و کلیه مقامات دولتی از قدرت

۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند

۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت

۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم

۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

جنبش سرنگونی همچنین بمنظور جلوگیری از بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع بند و بست و مهندسی قدرت از بالای سر مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم نتوانند آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آتی را تعیین کنند برای تحقق اهداف زیر پیگیرانه مبارزه میکنند.

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی

۲- لغو مجازات اعدام.

۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان.

قوانین قرون وسطایی جمهوری اسلامی زندگی کنند، تا فعالین کارگری و زنان و کودکان به چشم می خورند.

پناهجویان متحصن در نروژ خواستار برسمیت شناختن خواسته ها و پذیرش شرایط زیر برای همه پناهجویان ایرانی هستند:

-قطع فوری هر گونه دیپورت پناهجویان به ایران. - فراهم کردن شرایط عادی که در آن پرونده های بسته را از نو باز کنند و در یک پروسه کوتاه برای همه آنها برمینای نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران اجازه اقامت صادر کنند. - برخورداری همه پناهجویان از همه امکانات و تسهیلات لازم اعم از وکیل و امکانات زندگی در این پروسه - رسیدگی به وضعیت غیر انسانی پناهجویان در کمپ ها از نظر رفاهی و بهداشتی. - کوتاه کردن پروسه پاسخ به پناهجویان و رسیدگی به پرونده آنها که دو سال اذرخواست پناهندگیشان می گذرد.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ضمن دفاع قاطع از خواسته های بر حق پناهجویان، از اداره خارجی و دولت نروژ می خواهد که در اسرع وقت به خواسته های پناهجویان رسیدگی کند. مضاف بر این فدراسیون از همه سازمانها و نهادهای مدافع حقوق پناهندگی در داخل و خارج از نروژ می خواهد که از خواسته های پناهجویان متحصن در نروژ حمایت کنند و آنها را تنها نگذارند.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
۲۸ ژون ۲۰۱۱

آغاز تحصن پناهجویان ایرانی در نروژ

عنوان ظرف مبارزه پناهجویان با تمام توان تلاش خواهد کرد تا صدای بی حقوقی پناهجویان را در نروژ به گوش افکار عمومی برساند. در طول چند سال گذشته دولت نروژ برمینای یک سیاست غیر انسانی به پرونده پناهجویان ایرانی رسیدگی کرده است. بطوری که بسیاری از پناهجویان یا پرونده هایشان بطور کلی بسته شده است و یا بی جواب و بلا تکلیف بحال خود رها شده اند. علاوه بر این شمار زیادی از آنها به طور مرتب به کشورهای خود از جمله ایران دیپورت شده اند. رحیم رستمی یکی از اخراج شدگان به ایران بود که سر از زندان اوین درآورده است.

دولت و اداره خارجی نروژ با اعمال سیاست غیر انسانی در برخورد به پذیرش پناهندگان در ده سال گذشته تنها تعداد معدودی از پناهجویان ایرانی را پذیرفته و بقیه یا دیپورت شده اند و یا جواب منفی گرفته و چندین سال است که در شرایط غیر انسانی در کمپهای پناهندگی و یا به شکل غیر قانونی به زندگی خود ادامه میدهند. از نظر پناهجویان و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی این وضعیت برای پناهجویان در نروژ، غیر قابل تحمل شده است و اعتراض پناهجویان نیز دقیقاً به وضع موجود در این کشور شکل گرفته است.

در میان پناهجویان متحصن ایرانی از فعالین احزاب اپوزسیون تا اقلیت های مذهبی و کسانی که دین جهل و جنایت اسلام را ترک کرده اند، تا افرادی که به هر دلیل نخواسته اند تحت

جمعی از پناهجویان ایرانی در کشور نروژ، مشخصاً در شهرهای اسلو و تروندهایم با زدن چادر در مراکز این شهرها دست به تحصن زده اند. تحصن در شهر اسلو از دوم ژوئن ۲۰۱۱ و در تروندهایم از ۲۱ ژوئن همین ماه آغاز شده است. قرار است گروههای دیگری از پناهجویان در شهرهای دیگری از جمله در شهر برگن نیز دست به تحصن بزنند.

پناهجویان ایرانی در نروژ در پی سختتر شدن معیارهای پذیرش پناهندگان دست به تحصن زده اند. از بی پاسخی خسته شده اند. هیچکس از مقامات اداره خارجی و دولت نروژ نمی پرسند چرا نباید با توجه به شرایط حقوق بشر در ایران یک سیاست سخاوتمندانه و انسانیتر در قبال پذیرش آنها اتخاذ نمایند؟ دولت نروژ خود بارها مقامات جمهوری اسلامی را بدلیل زیر پا گذاشتن تعهدات حقوق بشری محکوم کرده است. ولی انگار پناهجویان ایرانی همان انسانهایی نبوده اند که بخاطر زیر پا گذاشتن حقوقشان به نروژ گریخته اند. سؤال فدراسیون از اداره خارجی نروژ این است که در کجای مفاد کنوانسیون ژنو که دولت نروژ هم به آن پایبند است، آمده که انسانهایی که از رژیمهایی مثل جمهوری اسلامی گریخته اند باید تا این اندازه به رعایت حقوق انسانیشان بی توجه بود؟ تحصن پناهجویان در گرما و سرما و زیر باران از سر دیوانگی آنها نیست نشان نقض حقوق آنها از سوی اداره خارجی نروژ است. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی به

حکومت اسلامی نمیخواهیم

و تعزیر و قصاص اسلامی را بکار گرفته اند تا از اموال آیت الله ها و صاحبان سرمایه پاسداری کنند. حکومت آیت الله های میلیاردر را باید بزیر کشید! شر قوانین اسلام

مذهب در دست جمهوری اسلامی یک چماق است؛ چماق سرکوب اکثریت عظیم مردم؛ چماق حمایت از غارتگران و چپاولگران اموال مردم؛ سنگسار و شلاق و اعدام

قبض ها را نپردازید

بلند اعلام نمایند. نه تنها آب و برق و گاز، بلکه طب و آموزش و پرورش نیز باید رایگان شود. این حق ابتدائی همه مردم است. هرماه میلیاردها دلار صرف زندان ها و سرکوبگران، صرف تروریسم و گله آخوند و امام جمعه ها میشود. با گوشه ای از این

مبارزه علیه افزایش قیمت گاز و آب و برق و نپرداختن قبض ها چنان گسترش یافته است که جمهوری اسلامی توان مقابله با آنرا ندارد. وقت آن است که همه مردم از پرداخت قبض ها خودداری کنند و خواست رایگان شدن این خدمات را با صدای

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

تراکت های حزب کمونیست کارگری ایران را تکثیر و وسیعاً پخش کنید

۲۴ ساعت اعتصاب عمومی در انگلیس

شهلا دانشفر

امروز ۹ تیر (۳۰ ژوئن) به فراخوان بزرگترین تشکل های صنفی کارکنان بخش دولتی و عمومی و سه اتحادیه آموزگاران و مدرسان دانشگاهها، هزاران تن از کارمندان دولتی و معلمان در انگلیس در اعتراض به سیاست اقتصادی دولت و برنامه آن برای بازنگری در ساختار حقوق بازنشستگی کارکنان بخش عمومی و زدن از سطح تامین اجتماعی جامعه، وارد اعتصابی ۲۴ ساعته شدند. به گفته اتحادیه های صنفی، حدود ۷۵۰ هزار کارمند دولت در این اعتصاب شرکت کردند. در این روز اتحادیه ملی آموزگاران، انجمن آموزگاران و مدرسین دانشگاه ها و اتحادیه دانشگاه ها و کالج ها در انگلستان و ویلز نیز از این اعتصاب عمومی حمایت کرده و در آن شرکت کردند. از جمله ۲۵۰ هزار نفر از اعضای اتحادیه عمومی

خدمات تجاری در سراسر بریتانیا، بطور مثال در منطقه اسکاتلند، به این اعتصاب پیوستند. در جریان اعتصاب عمومی روز پنجشنبه مطابق معمول شماری از کارمندان دولت و معلمان معترض در برابر ساختمان های دولتی و بخش عمومی، تجمع کرده و در مرکز لندن دست به راهپیمایی زدند. در این روز پلیس لندن مرخصی ماموران خود در این منطقه را لغو کرد.

اولین تاثیر این اعتصاب با خروج اعتراض آمیز ماموران اداره مهاجرت از محل کار خود در ساعت شش بعدازظهر چهارشنبه، در بنادر و فرودگاه های بریتانیا احساس شد. بنا بر خبر اعتصاب آموزگاران در روز پنجشنبه یک سوم از مدارس را به تعطیل کشانده و یک سوم دیگر نیز به حالت نیمه تعطیل درآمدند. و در کل ۱۴ هزار مدرسه تحت تاثیر این اعتصاب قرار گرفته است. همچنین پروازهای هواپیمایی با اختلال روبرو

فراخوان به اعتصاب عمومی در فرانسه

شهلا دانشفر

به گزارش روزنامه فرانسوی "چلنج"، اتحادیه همبستگی فرانسه (FSU) در پیشنهادی به اتحادیه های همپیمان خود، خواستار برگزاری اعتصاب عمومی در بخش آموزش در ماه سپتامبر آینده همزمان با بازگشایی مدارس در این کشور شد. فدراسیون آموزش فرانسه در بیانیه ای در این خصوص اعلام کرده است: "ما قصد داریم اعتصاب و تظاهرات سراسری را در ماه سپتامبر آینده در بخش آموزش فرانسه برگزار کنیم و به این ترتیب اعتراض خود را به شرایط بد و نامناسب تحصیل در فرانسه اعلام کنیم". این فدراسیون در بیانیه خود می افزاید: "شرایط تحصیل برای دانش آموزان، و آموزش برای معلمان امروز دیگر غیر قابل تحمل و نابرابر است و در سال آینده تحصیلی وضع از این هم بدتر خواهد شد."

اکنون دو سال است که فرانسه به یکی از کانونهای اعتراض و مبارزه در قلب اروپا تبدیل شده است و مردم با مبارزات خود در برابر طرحهای ریاضت اقتصادی دولت ایستاده اند.

شده است.

به مناسبت اعتصاب روز پنجشنبه، برندن باربر، دبیر کل "کنگره اتحادیه های صنفی" متشکل از تمامی سندیکاهای کارگری و صنفی بریتانیا، در یک گردهمایی در شهر اکستر، در جنوب غرب بریتانیا سخنرانی کرد. براساس بخشی از متن این سخنرانی که در دسترس رسانه ها قرار گرفته است، وی اعلام کرد که "حقیقت عریان این است که فشار ناشی از تلاش دولت برای کاهش کسری بودجه عمدتاً به گونه ای غیر منصفانه بر میلیون ها نفر از کارکنان با درآمد پائین و متوسط دولت تحمیل می شود، در حالیکه آنان هیچ تقصیری در بروز بحران اقتصادی نداشته اند". او اضافه کرده است که در طول دو سال گذشته، حقوق این دسته از کارمندان افزایشی نیافته در حالی که نرخ تورم در این مدت در یک دهه بی سابقه بوده است.

لازم به یادآوری است که قبلاً نیز در روز ۲۶ مارس لندن شاهد یکی از

آهن، ترافیک هوایی پروازها و نیز مدارس در ششم ماه سپتامبر بود. دو ماه اعتصاب و تظاهرات های میلیونی که فرانسه را به غلیان کامل درآورده بود. مساله محوری اعتصابات عمومی در سال گذشته در فرانسه، اعتراض به افزایش سن بازنشستگی از ۶۰ سال به ۶۲ سال و حداقل سن برای دریافت مستمری کامل این دوران از ۶۵ به ۶۷ سال و ناعادلانه بودن لایحه بازنشستگی دولت بود. بویژه یک جنبه مهم این لایحه تبعیض علیه زنان بود. از جمله زنانی که بدلیل زایمان و فشارهای فیزیکی فرسوده میشوند، طبق طرح جدید بازنشستگی دولت باید تا سن ۶۷ سالگی کار کنند تا مشمول بازنشستگی شوند، در غیر اینصورت خسارت شغلی می بینند و بخش زیادی از مزایای بازنشستگی خود را از دست میدهند. همچنین در طرح جدید بازنشستگی دولت، در کارهای سخت و زیان آور کارگر باید تا سن ۶۷ سالگی کار کند تا بازنشسته شود و هستند کارگرانی که از سنین پایین شروع به کارگری کرده اند و در سن پایین تری سنوات لازم برای بازنشسته شدن را طی کرده اند و اکنون با این لایحه این کارگران باید

بزرگترین تظاهراتهای خود در هشت سال اخیر بود. در آن روز صدها هزار نفر به خیابانها آمدند، و با راهپیمایی بطرف هاید پارک در مرکز لندن در مسیر خیابان های شناخته شده و مشهور شهر و نقاط دیدنی ای چون بیگ بن و پارلمان و ترافالگار اسکور و پیکادلی سیرکوس سوت کشیدند، فریاد زدند و اعتراض خود را علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی دولت اعلام کردند. بنا بر خبرها دولت انگلیس با در نظر گرفتن ۱۳۰ میلیارد دلار صرفه جویی اقتصادی از محل کاهش بودجه عمومی کشور و صرف آن برای کسری بودجه عظیمی که با آن روبروست، تهاجمی گسترده را بر زندگی و معیشت کل جامعه در دستور کار خود گذاشته است. از جمله ۲۸ و نیم میلیارد دلار از هزینه های خدمات عمومی و رفاهی جامعه کسر خواهد شد و سن بازنشستگی نیز به ۶۶ سال خواهد رسید. همچنین هزینه دانشگاهها سه برابر شده و گفته میشود که در نتیجه اتخاذ این سیاستها حدود نیم

میلیون نفر کارشان را از دست خواهند داد. دولت وجود یک کسری بودجه عظیم را علت اتخاذ این سیاستهای ریاضتی دانسته و بر انجام آن مصر است.

تظاهرات ۲۶ مارس در انگلیس در ادامه دور جدید اعتراضات وسیع مردم در کشورهای مختلف اروپایی در اعتراض به سیاست ریاضت اقتصادی این دولتها بود و اکنون این اعتراضات در یونان و اسپانیا ماههاست که در جریان است و در فرانسه نیز صحبت از فراخوان به اعتصابی عمومی در سپتامبر است. بدین ترتیب نگاهی به این اتفاقات حاکی از موج جدیدی از اعتراض در کشورهای اروپایی علیه سیاست های ریاضت اقتصادی دولتهای اروپاییست که شعارها و خواسته های کارگران و مردم در این اعتراضات هر روز رادیکال تر میشود. شعار "بار بحرانتان را بدوش ما کارگران نیندازید"، پاسخ امروز کارگران جهان در مقابل بحران اقتصادی سرمایه داری جهانی است.*

کشیده اند. همه چیز حاکی از بن بست ریشه ای در کل جهان سرمایه داری است. بحران عمیق سرمایه داری، اجرای سیاست ریاضت اقتصادی و حمله به معیشت کل جوامع را در دستور دولتها گذاشته است و مردم و کارگران در مقابل این تعرض ایستاده اند. در این کشاکش این کل سیستم و این نظام است که زیر ضرب قرار گرفته است. مستقیماً بحث از تغییر نظام و سیستم است. شعار مرگ بر دیکتاتوری بازار آزاد سر داده میشود و کارگران در کشورهای مختلف با فریاد "بار بحرانتان را بدوش ما نیندازید" در واقع دارند مخالفت خود را با منطق سرمایه اعلام میکنند.*

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا اینجیل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا یا

بانک بردی (کانادا - آمریکا) : تلفن: ۱-۶۰۷-۷۵۲-۳۳۶۶
۱-۶۰۷-۶۹۱-۷۱۳۸

ایمیل: babakyazdi@yahoo.com

زوی اسمی (غرب کانادا - ونکوور) : تلفن: ۶۰۴-۶۷۷-۸۱۶۶
zarast@yahoo.ca

ایمیل: zarast@yahoo.ca

در اروپا یا

انتشارات نسیم : تلفن: ۰۰۴۹-۳۹۱۷۰-۰۷۳۳۳۳۳۳
ایمیل: nasim_info@yahoo.se

جلل جلیلی (انگلستان) : تلفن: ۰۰۴۴-۲۲۴۴-۰۷۹۵
jatlili@yahoo.com

ایمیل: jatlili@yahoo.com

مهن کونتا (آلمان) : تلفن: ۰۰۴۹-۲۵۰۲۹-۰۱۳۳
mahnkushall-online.de

ایمیل:



کارل مارکس

سرمایه

(کا پیتال)

ترجمه جمشید هادیان

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

زندان و دادگاه علیه فعالین کارگری

برگزار شد. در این جلسه ی محاکمه که فقط چند دقیقه طول کشید، خالد حسینی از فعالین شناخته شده کارگری در این شهر به يك سال زندان تعلیقی که در ۵ سال معلق شده است، محکوم گردید. خالد حسینی به همراه ۳ تن دیگر از فعالین کارگری در این شهر چند روز قبل از اول ماه مه، احضار و بازداشت و سپس به قرار وثیقه ی سنگین آزاد شد. در مدت بازداشت، او و دیگر دوستانش تحت فشار قرار گرفتند که اجباراً از کمیته هماهنگی استعفا دهند. اما با مقاومت این فعالین کارگری و اظهار آنان مبنی بر اینکه عضویت در تشکل های مستقل حق مسلم آنان و قانونی است از عضویت خود در کمیته هماهنگی دفاع کردند. بنا بر همین خبر صدور این حکم برای خالد تنها به بهانه هایی نظیر انجام مصاحبه صورت گرفته است.

میان ی راه تهران- تبریز توسط مامورین اطلاعات جمهوری اسلامی از اتوبوس پیاده و دستگیر و زندانی شد. بنا بر گزارش های منتشر شده از زمان دستگیری شاهرخ تا کنون خبری از وی در دست نیست و علیرغم پیگیری های مستمر خانواده و وکیلش، اجازه ملاقاتی به وی داده نشده است. و تنها روشن شده است که پرونده او برای بررسی به شعبه ۴ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در تبریز ارجاع شده است.

به غیر از شاهرخ زمانی منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهبابی از اعضای سندیکای شرکت واحد و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال دفاع از حقوق کودک در زندانند. تمامی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری و فعالین سیاسی در تمامی عرصه های اجتماعی باید فوراً لغو شوند.

شاهرخ زمانی همچنان در زندان است

بنا بر گزارش کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، روز ۱۷ خرداد شاهرخ زمانی کارگر ساختمانی و عضو کمیته پیگیری در حالی که در حال مسافرت بود، در

یداله قطبی از دستگیر شدگان اول ماه مه شهر سندانج به دادگاه احضار شد

به گزارش منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری یدالله قطبی از فعالین کارگری شهر سندانج و عضو این کمیته، طی احضاریه ای از سوی دادگاه رژیم در این شهر، برای تاریخ ۲۲ تیر به شعبه ۲ این دادگاه احضار شده است. یداله قطبی چند روز قبل از مراسم اول ماه مه به همراه سه تن دیگر از رفقاییش به جرم تلاش برای برپایی اول ماه روز جهانی کارگر، به اداره اطلاعات احضار و پس از ۱۲ روز بازداشت با قرار وثیقه ای ۵۰ و ۳۰ میلیون تومانی از اداره اطلاعات آزاد شدند.

خالد حسینی از فعالین کارگری در شهر سندانج به ۱ سال حبس تعلیقی محکوم شد

بر اساس گزارش کمیته هماهنگی، روز شنبه ۲۸ خرداد ماه محاکمه ی خالد حسینی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شعبه ی ۲ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در شهر سندانج

زندگی انسانی حق مسلم ماست

این شعاری است که ما کارگران و معلمان در اعتصابات و تجمعاتمان بارها فریاد زده ایم. ما کارگریم، معلمیم پرستاریم، بیکار شدگانیم، باز نشستگانیم، زنیم، مردیم، دختریم، پسریم، مردمیم انسانهاییم. جامعه ماییم. برده و بنده کسی نیستیم. ثروتهای جامعه از آن همه ماست. می خواهیم در رفاه و شادی، با منزلت و حرمت انسانی زندگی کنیم. می خواهیم جامعه ای بسازیم که در آن منزلت و آزادی و رفاه حق بی چون و چرای همه شهروندان است. بیش از سی سال است يك لشکر بیرحم جهل و چپاول، بعنوان حکومت، چنگال خود را بر جامعه ما افکنده است و با بیرحمی ای باور نکردنی تلاش میکند هرچه بوی انسانیت میدهد را از ما بگیرد. شمشیر مذهب و خرافه و سنتهای عهد عتیق بر افراخته اند و ما را موجوداتی ناقص العقل و بدون شعور می پندارند که باید آنگونه باشیم که آنها می خواهند، آن را بیندیشیم که

آنها می خواهند، از ثروتها هیچ نخواهیم و بی عدالتی ها و ثروت انوزی اقلیت بی خاصیت مفتخور و حریص را بعنوان مشیت الهی بپذیریم. نان را از سفره هایمان برگرفته اند، حسرت و محرومیت را به سراپای وجود کودکانمان رانده اند. خود را صاحب همه چیز میدانند و ما مردم را بی اختیار و بی اراده و بدون حق برخورداری از حداقل معیشت و رفاه میدانند. علیرغم سی سال بیرحمی بی انتها و جنایت بی حد و حصر اما، توقع و انتظار ما از زندگی را نتوانسته اند ناپود کنند. فریاد و اعتراض و جدال ما را نتوانسته اند خاموش کنند. ما جدال کرده ایم و خواهیم کرد. ما انقلابی را آغاز کرده ایم که گرچه هنوز ناتمام مانده است، اما قدرت عظیم ما را به خود ما و به حکومت منحوس و مذهبی سرمایه داران نشان داد. اتحاد میلیونها نفری ما و اراده همگانی مان را متبلور کرد. ما مصممیم که

زنده باد انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران

FREE JAILED WORKERS IN IRAN!



Iran out of ILO!

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com شهلا دانشفر
00447779898968
bahram.soroush@gmail.com بهرام سروش
0044-7852 338334

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



۲۲- شهلا عبقری استاد دانشگاه، فعال حقوق بشر و حقوق زنان
 ۲۳- حامیان مادران پارك لاله / مادران صلح دورتموند
 ۲۴- کمیته بین المللی علیه اعدام
 ۲۵- حامیان مادران پارك لاله / لندن
 ۲۶- میشن فری ایران
 ۲۷- حامیان مادران پارك لاله / فرانکفورت
 ۲۸- کمپین پناهجویان ایرانی دانشگاه پلی تکنیک یونان
 ۲۹- حامیان مادران پارك لاله در وین

ایرانی - اتریش
 ۳۰- جمعیت دفاع از حقوق مردم ایران در اتریش
 ۳۱- کمیته ی دفاع از حقوق بشر در ایران - اتریش
 ۳۲- نسل آزادیخواه ایران
 ۳۳- نهاد دفاع از دموکراسی و آزادی در ایران - ندای ایران
 The Anti-Injustice Movement ۳۴-

۳۵- حزب کمونیست ایران
 ۳۶- انجمن همبستگی فعالان تبعیدی
 ۳۷- کانون فرهنگی پیوند زاربورکن آلمان
 ۳۸- کانون خاوران
 ۳۹- کانون ایرانیان آزادیخواه مونیخ / آلمان
 ۴۰- مرکز فرهنگی ایران برای حمایت از زندانیان سیاسی در شهر ماینس
 ۴۱- کمپین حمایت از پناهجویان قبرس
 ۴۲- انجمن همبستگی با مردم ایران - دالاس

۴۳- سایت مبارزان کمونیست
 ۴۴- حزب کمونیست کارگری ایران
 ۴۵- رضا غفاری، زندانی سیاسی سابق و نویسنده
 ۴۶- اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
 ۴۷- سلیمان چوگلی، فعال حقوق بشر
 ۴۸- نهاد مردمی
 ۴۹- ائتلاف بین المللی علیه خشونت در ایران (ایکاوی)

رادیو فردا در آلمان
 تلویزیون کانال جدید
 نهادها و شخصیت‌هایی که از ۲۰ ژوئن روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی پشتیبانی کردند شامل لیست زیر میباشند:

۱- سیروس ملکوتی آهنگساز و فعال سیاسی
 ۲- فرخ علی یاری، سرپرست کمیساریای عالی حقوق بشر ایران در اروپا
 ۳- حامیان مدران پارك لاله / لسن آنجلس- ولی
 ۴- بصیر نصیبی- سینماگر
 ۵- کانون فرهنگی پیوند
 ۶- سیاوش مدرسی، روزنامه نگار
 ۷- کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی
 ۸- جنبش دانشجویان ضد سرکوب- ایران
 ۹- مرکز فیلمسازی و پژوهشی سینمای آزاد
 ۱۰- ایرج مصادقی- زندانی سیاسی سابق
 ۱۱- رادیو پیام- هالیفکس - کانادا
 ۱۲- شبنم اسدالهی - فعال حقوق بشر، آتارا - کانادا
 ۱۳- بهبه جیلانی همبستگی با جنبش ملی ایرانیان - پاریس
 ۱۴- پردیس ایرانی- جنبش بی رنگ ایران - ایران
 ۱۵- حسن ماسالی، فعال سیاسی و بنیانگذار بنیاد کوشش برای استقرار دموکراسی و حقوق بشر در خاورمیانه
 ۱۶- سیاوش عبقری- استاد دانشگاه و کوشنده سیاسی و حقوق بشر
 ۱۷- شیرین نریمان- فعال حقوق بشر و فعال حقوق زنان- واشنگتن- آمریکا
 ۱۸- فرامرز شیراوند - گزارشگر تحقیقی
 ۱۹- همایون مبصری، انجمن ندا برای يك ایران آزاد، سازمان غیر انتفاعی حقوق بشری
 ۲۰- کمپین کارگران زندانی
 ۲۱- حامیان مدران پارك لاله / لسن آنجلس- ولی

شده است.

یکی از ابتکارات در حمایت از زندانیان که در آستانه ۲۰ ژوئن صورت گرفت اقدام و ابتکار سلیمان چوگلی در حمایت از زندانیان سیاسی و مدنی بود. سلیمان چوگلی در تاریخ ۱۸ ژوئن دوچرخه سواری را از نورژ به سوی پارلمان اروپا در بلژیک شروع کرده است. این دو چرخه سواری به مدت یکماه به طول خواهد کشید و امیدواریم این اقدام با حمایت همه ما توجه وسیعی را به خود جلب نماید. در اینجا لازم است از تیم ۲۰ ژوئن، تمامی نهادها، شخصیتها و افرادی که از این روز به انحاء مختلف از جمله برگزاری تظاهرات، حمایت کرده و تلاش کردند که هر چه رستار کردن صدای زندانیان سیاسی در ایران را به گوش همگان برسانند، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم.

حرکت ۲۰ ژوئن - ۳۰ خرداد- روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی، صرفاً برگزاری يك تظاهرات نبود، این يك روز تاریخی است؛ ما قصد داریم تا سرنگونی رژیم این روز را هر چه وسیعتر برگزار کرده و در پرتو آن فشار وسیع و موثری روی رژیم برای آزادی زندانیان سیاسی بیاوریم. برگزاری موفق روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی نقطه شروع موفقی بود که راه را برای همکاری، اقدامات و ابتکارات هر چه گسترده تر و موثرتری را در آینده باز کرد. امید که به کمک شما عزیزان مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را در سطحی وسیعتر، متشکلاتر و موثرتر عملی سازیم.

شیوا محبوبی سخنگوی کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران
 ۲۴ ژوئن ۲۰۱۱ برابر با سوم تیر ماه ۱۳۹۰

از جمله رسانه هایی که در خبر رسانی یاری رساندند:

تلویزیون نهاد مردمی
 رادیو پیوند در سوید
 روزنامه سوئدی Hasslehom که عنوان مقالهاش را گذاشته بود: صدای زندانی سیاسی در ایران باش
 رادیو همصدا آتارا
 رادیو ایراوا در آتارا
 رادیو آوا در سوید
 رادیو پژواک سوئد
 رادیو ایرانیان نورژ
 در رادیوی فارسی زبان ونکور
 رادیو پیام در ونکور



یکصدا در ۴۹ شهر دنیا

یک گزارش کوتاه از برگزاری ۲۰ ژوئن ۲۰۱۱ - ۳۰ خرداد ۱۳۹۰ روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی شیوا محبوبی

زندانیان سیاسی سابق به مناسبت این روز پیام دادند؛ این نامه ها در سطح بسیار وسیعی پخش شد.

در طول کمپین ۲۰ ژوئن به پارلمان اروپا، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، دولت‌های کانادا و هلند و انگلستان نامه نوشته شد که از سوی اداره کل روابط خارجی پارلمان اروپا خانم کاترین اشتون و خانم ان لووما از سوی وزیر خارجه دولت هلند جواب مثبت و حمایتی دادند و ضمن اشاره به اقدامات تا کنونیشان اعلام کردند که فشار بیشتری به رژیم خواهند آورد.

بیش از ۳۰۰۰ کارت پستال "من صدای او هستم" که در کشورهای مختلف از سوی مردم امضا شده به همراه طومارهای حمایتی مردم به مناسبت ۲۰ ژوئن برای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارسال شد.

طومار اینترنتی که در حمایت از زندانیان سیاسی به مناسبت روز ۳۰ خرداد امضا شده بود همراه با يك نامه به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به آدرس زیر ارسال گردید:

Navanethem Pillay, High Commissioner for Human Rights, OHCHR, CH-1211

Geneva 10, Switzerland

از دو ماه پیش از ۳۰ خرداد ۲۰ ژوئن برنامه های هفتگی " برای آزادی زندانیان سیاسی" که از کانال جدید پخش میشود به این روز اختصاص داده شد و دو برنامه زنده تلویزیونی ویژه ۳۰ خرداد از کانال جدید پخش و مورد استقبال زیادی قرار گرفت.

در سطح شبکه های اینترنتی اجتماعی مانند فیس بوک، توییتر، شبکه ایمیلی و سایت تبلیغات بسیار وسیعی منظمًا به فارسی و انگلیسی در رابطه با انعکاس وضعیت زندانیان سیاسی و بسیج نیرو فعالیت شد.

از طریق رسانه های فارسی زبان در رابطه با روز جهانی و وضعیت زندانیان سیاسی اطلاع رسانی شده و مصاحبه های با سخنگوی کمپین، شیوا محبوبی و سایر دست اندرکاران کمپین ۲۰ ژوئن ترتیب داده شد. لیست رسانه ها در پایین ضمیمه

روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران در ۴۹ شهر دنیا با موفقیت برگزار شد.

برگزاری این روز در اشکال مختلف از جمله:

۱- تظاهرات در روزهای ۱۸، ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ ژوئن ۲۰۱۱ برابر با ۲۸-۲۹ و ۳۰ خرداد ۱۳۹۰
 ۲- میزهای اطلاعاتی و پیکت
 ۳- نمایشگاه عکس،

۴- کنسرت در حمایت از کمپین ۲۰ ژوئن در روز ۲۹ می در انگلستان
 در طول کمپین ۲۰ ژوئن و

بالاخص در طول سه روز برگزاری مراسمها، توانستیم علیرغم سکوت رسانه ها و دول غربی در رابطه با وضعیت زندانیان سیاسی در ایران و احکام اعدام، توجه و حمایت هزاران نفر را عمدتاً در کشورهای مختلف در اروپا استرالیا و آمریکای شمالی بار دیگر به مسئله زندانیان سیاسی و خانواده هایشان جلب کنیم. در این تظاهراتها همچنین عکسهای زندانیان سیاسی را در قلب این کشورها به نمایش گذاشتیم و توجه طیف وسیعی از مردم را به جنایات رژیم اسلامی جلب کردیم.

این روز جهانی توانست تعداد بسیار زیادی از نهادها و افراد مدافع آزادی زندانیان سیاسی را در یک حرکت مشترک جمع کرده و یک صدا برای اولین بار در ۴۹ شهر دنیا صدای زندانیان سیاسی و خانواده هایشان را به گوش جهانیان برساند. در پی فراخوان کمپین ۲۰ ژوئن دهها سازمان و نهاد مختلف ایرانی به این فراخوان جواب مثبت داده و با برگزاری تظاهرات، اختصاص برنامه خود و ارسال نامه های حمایتی از این روز استقبال کردند. لیست این نهادها در پایین این نامه آمده است.

در ۴۹ شهر در سراسر دنیا مردم از طریق شرکت در تظاهراتها، ارسال نامه اعتراضی، امضای طومار، ارسال کارت پستالهای "من صدای او هستم"، ارسال بیانیه حمایتی، برگزاری کنسرت و خبررسانی در رابطه با این روز شرکت کردند. مادر فرزاد کمانگر و مادر عبدالله و محمد فتحی و چند تن دیگر از

جواب نامه دولت هلند به نامه شیوا محبوبی در رابطه با ۲۰ ژوئن روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی

در ادامه اقدامات در حمایت از زندانیان سیاسی در آستانه ۲۰ ژوئن روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی و در پی تماسها و نامه نگاری به سران دولتها، نهادهای بشردوستانه و شخصیتهای اجتماعی و انعکاس شرایط زندانیان سیاسی در ایران و جلب حمایت از آنها، شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی نامه ای نیز به وزارت خارجه هلند ارسال داشت و از آنان خواست تا حمایت خود از زندانیان سیاسی در ایران اعلام دارند. لازم به

سیاسی در ایران خاطرنشان کرد دولت هلند در نگرانی کمپین در رابطه با زندانیان خود را شریک دانسته و در تماسهای مکرر خود با دولت جمهوری اسلامی مسئول بودن آنها را در زمینه مشکلات حقوق بشر به آنها گوشزد کرده و خواهند کرد. خانم لووما هلند نیز ملاحظات دولت هلند در مورد حقوق بشر و آزادی بیان را در تمامی ملاقاتهای خود با مقامات رژیم اسلامی از جمله با سفیر ایران در هلند در میان گذاشته و خواهد گذاشت. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۲۵ ژوئن ۲۰۱۱

محاكمه مخالفین جمهوری اسلامی در برلین یک اسکاندال برای دولت آلمان است

در پی شکایت سفارت جمهوری اسلامی علیه جریانات اپوزیسیون در برلین به خاطر اعتراض به سرکوب و اعدام در دسامبر سال ۲۰۱۰ و نصب پلاکاردها با عنوان سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران، پلیس آلمان نیز علیه ۶ نفر به اتهام "مقاومت" و "تلاش برای نجات افراد در خطر دستگیری" شکایت کرده است. لازم به توضیح است که در جریان حمله پلیس به معترضین در دسامبر سال گذشته چندین نفر از مخالفان جمهوری اسلامی توسط پلیس آلمان زخمی و دستگیر شده بودند. در همین رابطه سفارت جمهوری اسلامی هم قبلا بر علیه دو نفر از سازماندهندگان اعتراض دسامبر سال گذشته شکایت کرده بود. در چند روز گذشته مقامات قضایی برلین اعلام کرده اند که روز پنجشنبه ۳۰ ژوئن،

دادگاه محاکمه یک نفر از مخالفان جمهوری اسلامی در برلین آغاز می شود. کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری ایران بشدت اقدام پلیس و دولت محلی برلین را محکوم میکند و این اقدام را سیاسی ارتجاعی و همسو با حکومت ترور و اعدام جمهوری اسلامی میدانند. شرم آور است که دولت آلمان اینگونه آشکارا با دولت تروریست و جنایتکار اسلامی همراهی میکند، آزادی بیان را نقض میکند و مخالفین جمهوری اسلامی را به جرم شعار سرنگونی جمهوری اسلامی میخواند محاکمه کند. این سران جمهوری اسلامی و مقامات سفارت این رژیمند که باید دستگیر و محاکمه شوند. دادگاه محاکمه مخالفین جمهوری اسلامی را

بحران احمدی نژاد!...

"کوروش ذوالقرنین" را به سر راه دهد. يك احمدی نژاد که بادش را خالی کرده باشند. این نقشه خامنه ای برای عبور از بحران احمدی نژاد است. آیا ممکن است؟ موفق میشود؟ مساله این نیست که احمدی نژاد تن میدهد یا نمی دهد. احتمالا نمی دهد و جنگ بسیار حادثتر از این خواهد شد. مشکل اینجاست که بحران احمدی نژاد ریشه دارتر از این حرفهاست. مساله را نمی توان صرفا با این توضیح داد که احمدی نژاد و باند دور و برش کفش و کلاه کرده بودند که ابزارها و ارکان قدرت را برای اوضاع بعد از دوره احمدی نژاد قبضه کنند. مساله فقط این نیست که برای مثال آقا مجتبی و باند قالیباف دست او را خوانده و زودتر جنبیده اند و میخوانند کل اوباش موسوم به "اصولگرا" را حول زدن احمدی نژاد متحد کنند. درست است که پول های هنگفت و منافع مادی عظیم پشت این جنگ و دعواها خوابیده است، اما هیچکدام این ها منشاء بحران احمدی نژاد نیست. بحران احمدی نژاد جز بروز بحران مزمن جمهوری اسلامی در حادثترین شکل آن نیست. بحرانی که نهایتا در اینجا ریشه دارد که جامعه ایران هرگز این حکومت از گور برآمده را نپذیرفت. عامل مستقیم بحران احمدی نژاد را باید بویژه در انقلاب ۸۸ و به میدان آمدن قهرمانانه میلیونها نفر در تهران و شهرهای بزرگ بر علیه جمهوری اسلامی جستجو کرد. حرکت و

از صفحه ۱

اقدامی که نه فقط جامعه ایران را زیر و رو کرد که حتی جهان را تحت تاثیر قرار داد. وضع زار دولت احمدی نژاد تحقق این شعار مردم است که بارها به بهانه های مختلف تکرار شد: "این دولت است که مرده"... بحران احمدی نژاد فقط این نیست که اکنون دستگاه دولتی و اجرایی جمهوری اسلامی درست در وسط معرکه حادثترین بحران و بن بست اقتصادی به فلج کامل دچار شده است. فقط این نیست که خامنه ای از مقام رهبر به آفتابه ای برای شستن هر کثافتکاری و تظہیر هر خرده منفعتی تنزل یافته است. بحران احمدی نژاد بحران پایان جمهوری اسلامی است. بحران حکومتی است که بر دریایی از خون و عرق و رنج و تبعیض نشسته و در حلقه اعتراض و نفرت مردم ایران و حتی جهان قرار دارد. بحران حکومتی است که بهتر از هر کسی میدانند که مردم چگونه مترصد فرصت اند تا تمام اوباش و کثافات اسلامی اش را از صحنه روزگار جارو کنند. خوب اگر بنگرید این روزها میتوانید در رفتار و کردار جمهوری اسلامی شواهد آنرا ببینید. از موشک هوا کورنها گرفته تا حمله به دیش های ماهواره ای تا حمله به زنان در خیابانها تا برپایی چوبه های دار همه و همه فقط انعکاس بیم و وحشت رژیم از آینده خویش است. بحران احمدی نژاد زاده این وضعیت رژیم و در عین حال تشدید کننده آنست.*

جام جهانی فوتبال زنان بدون مریم مجد در آلمان آغاز میشود

مریم مجد يك عكاس حرفه ای ورزش زنان است. او قصد داشت عكسهایی از ورزش و جام جهانی زنان در آلمان تهیه کند و سپس يك كتاب با همکاری پترا لندرز در مورد ورزش زنان تهیه کند. مریم مجد بود با يك هواپیما از ایران به مقصد دسلدرف آلمان روز جمعه ۱۷ ماه ژوئن وارد آلمان شود. اما پترا لندرز چند ساعت آنجا در فرودگاه منتظر شد و مریم نیامد. پس از تلفن به ایران و چند روز بی خبری از وضع مریم، اعلام شد که مریم دستگیر شده و اکنون در زندان اوین است.



مریم روزشنبه ۲۵ ژوئن طی دو تماس با خانواده اش از مادرش خواسته که او را فوراً از زندان بیرون بیاوردند. مریم در بند ۲۰۹ زندان اوین و در يك سلول انفرادی است. روز شنبه تلویزیون سراسری آلمان و د.ا.ر. در بخش اخبار در مورد مریم مجد حرف زد. مصاحبه ای با پترا لندرز و مینا احدی در مورد مریم و آخرین اخبار در مورد او انجام داد. مسابقات جام جهانی فوتبال زنان در آلمان بدون مریم شروع میشود. توجه در این مسابقات، اما در عین حال به مریم و بسوی ایران است. وزارت امور

شناخته و سفارت خانه های این حکومت زن ستیز و ضد انسانی را ببندند. انگشت اتهام بسوی حکومتی دراز است که زنان را در زندانها بطور سیستماتیک مورد تجاوز جنسی قرار میدهد و نگرانی در مورد مریم باید به يك حرکت اعتراضی گسترده در این روزها در آلمان گره بخورد که توجه رسانه ها به آنجا معطوف است. سازمان دادن میتینگهایی در مقابل استادیوم های ورزشی در اعتراض به دستگیری مریم مجد و در اعتراض به حکومت زن ستیز و جنایتکار اسلامی، در اعتراض به اعدامها در ایران از جمله کارهایی است که ایرانیان معترض به حکومت

http://www.wdr.de/mediathek/html/regional/rueckschau/aktuelle_stunde.xml

اساس سوسیالیسم انسان است!

مینا احدی خواهان دستگیری ...

از صفحه ۱

این حکومت و اعلام جرم علیه این جانیان شده ایم.

در مورد اینکه اتحادیه اروپا باید عکس العمل تندتری علیه حکومت اسلامی نشان دهد و این حکومت را رسماً منزوی کرده و سفارت خانه های حکومت اسلامی را ببندد حرف میزنم.

در ادامه متن نامه علی مهین ترابی به رئیس پارلمان که خواهان حفظ امنیت خود است و نامه بیژن فتیحی به بان کی مون را به آنها میدهم و میگویم خواست این خانواده نیز همین است که به این جنایت که دو فرزندشان را اعدام کردند، رسیدگی بشود. گفته میشود که دو روز دیگر نشستی با کاترین اشتون دارند و همچنین دوشنبه در استراسبورگ در مورد این مسائل صحبت خواهند کرد. قرار میشود اطلاعات بیشتری به آنها بدهیم.

محل پارلمان را حدود ساعت یک بعد از ظهر ترک میکنیم و برای ملاقات بعدی به محل دفتر حزب لیبرال دمکرات میرویم. در آنجا رئیس این حزب، مسئول بخش زنان و نماینده ای از پارلمان اروپا از این حزب و چند نفر دیگر در محل مذاکره حضور دارند. مذاکرات حدود یکساعت طول میکشد و در آنجا در مورد جمهوری اسلامی ایران و سرنگون کردن این حکومت، نسل جوان در ایران، جنبش انقلابی مردم در منطقه و تاثیرات آن در ایران و در مورد

محل پارلمان اروپا میرویم، اولین ملاقات ساعت ۱۱ با مسئولینی از دفتر رئیس پارلمان اروپا جرسی بوزک است.

در محل ورود به ساختمان محل کار رئیس پارلمان و بعد از بررسی امنیتی، معلوم میشود که عکاس اجازه ندارد وارد ساختمان شود. من و پتر با لونه ته چازی مسئول روابط خارجی و الکساندر اشتوتسمن دیپلمات بلند پایه از دفتر رئیس پارلمان ملاقات داریم. اشتوتسمن را می شناسم و این سومین بار است که او را ملاقات میکنم. زبان مذاکرات آلمانی است. در ابتدا در مورد اعدامهای گسترده و علنی در ایران حرف میزنم. در مورد سرگذشت محمد و عبدالله فتیحی و اعدام بیشرمانه این دو برادر و اینکه موج جدیدی از اعدامها در ایران شروع شده که بیش از پیش بیانگر ترس حکومت اسلامی از مردم معترض ایران است.

در مورد اینکه ممکنست بزودی در قم هفت نفر را اعدام کنند و در مشهد صحبت از اعدام مخفیانه ۲۶ نفر است. در رابطه با تجاوز به زنان حرف میزنم و اینکه زنان زیادی با ما تماس گرفته و از سرگذشت دردناک خود و تجاوز در زندانها گزارش داده اند. در ادامه اخبار نامه ای را از طرف خودم و مریم نمازی خطاب به رئیس پارلمان به آنها میدهم که در آن خواهان منزوی کردن حکومت اسلامی و اعلام رسمی جنایتکار بودن

آلترناتیو و آینده ایران به تفصیل صحبت میشود. در مورد جنبش زنان در ایران و نقش سازمانهای زنان و همچنین در مورد اسلام سیاسی و نقش سازمانهای اسلامی در اروپا و در بلژیک صحبت میکنیم.

در این نشست مجدداً از این حزب میخواهم که حکومت اسلامی ایران را منزوی کرده و خواست بسته شدن سفارت خانه این حکومت در بلژیک و همچنین خواست دستگیری سران حکومت اسلامی را به جرم جنایت علیه بشریت پیگیری کنند.

بعد از این نشست از طرف این حزب، کنفرانس مطبوعاتی برگزار میشود که در آن رئیس این حزب و من به سوالات خبرنگاران پاسخ میدهم. در کنفرانس مطبوعاتی همه اعضا هیئت های شرکت کننده که ۱۰ نفر هستند، حضور دارند.

حزب لیبرال دمکرات البته بعد از این نشست يك اطلاعیه مطبوعاتی داده و جالب اینست که رئیس جوان این حزب در تویتر راجع به این جلسه نوشته بود و یکی از اعضای این حزب در پارلمان اروپا به اسم "آن بروسسل" در صفحه شخصی خود در مورد این ملاقات و اهمیت آن نوشت که در اینجا لینک آنرا می بینید.

<http://www.annbrusseel.be/>
در کنفرانس مطبوعاتی نماینده مطبوعات اساساً در مورد انقلاب در منطقه و آینده این انقلابات و هدف سفر من پرسیدند که در روزنامه دست چپی مورگن، روز سه شنبه چنین

نوشته بودند: مدافع حقوق انسان مینا احدی در يك سفر به بروکسل خواهان ایزوله کردن جمهوری اسلامی ایران است او میگوید روابط دیپلماتیک اروپا با ایران باید فوراً قطع شود...

ساعت چهار بعد از ظهر در شهر انتورپن در دفتر روزنامه "انتورپن گازته" هستیم و با خبرنگار جوان این روزنامه که اخیراً از مصر برگشته مصاحبه مفصلی انجام میدهم. یکساعت و نیم به سوالات این دختر کنجکاو و خوشفکر و حساس پاسخ میدهم و فردا یعنی سه شنبه ۲۸ ماه ژوئن با عکس بزرگی از من مطلب جالبی از این خبرنگار یعنی سیلیویا مارین در این روزنامه چاپ میشود. در مورد ضرورت منزوی کردن رژیم اسلامی و در مورد حجاب و جنبش اسلامی در اروپا و در بروکسل و بلژیک.

ساعت هشت شب در انتورپن در محل دفتر سازمان اومانیهستها در بلژیک هستیم. در اینجا که يك ساختمان بزرگ متعلق به اومانیهستها برای تعدادی از اعضای مرکزیت این سازمان سخنرانی میکنم. رئیس اومانیهستها در این کشور يك زن سپهتیک و فعال است که اظهار علاقه میکند در این شهر برای من و مریم نمازی سخنرانی سازمان داده و میخواهد از سازمانهای اسلامی نیز کسانی را دعوت کند تا در مورد ممنوعیت برقع و قوانین شریعه و همچنین قتل ناموسی و ازدواج اجباری سخنرانی کنیم. سایت اومانیهستها بلژیک

<http://www.h-vv.be/>
روز دوشنبه با جلسات متعدد و فشرده به پایان میرسد و برای فردا باید آماده شویم.

سه شنبه در حالیکه پتر با خوشحالی روزنامه هایی را که در مورد این سفر نوشته اند را در دست دارد میگوید باید این نوع برنامه ها را تکرار کنیم

سه شنبه ملاقاتی با يك حزب دیگر بروکسل داریم. در آنجا چهار نفر را ملاقات میکنیم در محل پارلمان بروکسل و مذاکرات یکساعت و نیمه ای نیز با این چهار نفر داریم. بعد از این ملاقات مفصل که در مورد احزاب سیاسی در ایران و نقش کمونیستها در ایران و یا در مورد آینده ایران و آلترناتیو جمهوری اسلامی صحبت میشود در عین حال در مورد جنبش اسلامی در اروپا و اسلام سیاسی نیز به تفصیل صحبت میکنیم.

يك اطلاعیه مطبوعاتی بعد از انجام این ملاقات از سوی این حزب به رسانه ها ارسال میشود.

http://www.n-va.be/nieuws/persberichten/iraanse_mensenrechtenactiviste_mina_ahadi_op_bezoek

انعکاس مطبوعاتی این سفر و توجه رسانه ها به اوضاع ایران جالب است. و همه چیز بیانگر مساعد بودن اوضاع برای مطرح کردن و پیش بردن خواست دستگیری سران حکومت اسلامی است.

مینا احدی

متن نامه مینا احدی و مریم نمازی به رئیس دفتر پارلمان اروپا



دعوت میشود. مردم ایران اینترا نخواهند پذیرفت و دول اروپائی را نخواهند بخشید و خواهان انزوای جمهوری اسلامی در سطح جهان، قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک با آن و دفاع قاطع از حقوق خودشان هستند.

مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار مریم نمازی مسئول نهاد يك قانون برای همه

۲۳ ژوئن ۲۰۱۱

حکومت اسلامی انگشت اتهام را بسوی زنان گرفته و رسماً میگوید چون حجاب رعایت نمیکند به آنها تجاوز میشود. تجاوز به زنان کاملاً سازمان یافته است و بخشی از حمله گسترده حکومت برای ارعاب آنها است. سران حکومت و امام جمعه های حکومت نیز به این تجاوز به زنان رسماً مشروعیت میدهند و اوپاش خود را به تجاوز تشویق و تحریک میکنند.

اتحادیه اروپا تا کنون در نهایت به دادن اطلاعیه هایی بر علیه اعدام و یا سنگسار بسنده کرده است. این مشکلی را حل نمیکند. سوال ما این است که چرا این حکومت توسط اتحادیه اروپا و دول اروپائی به رسمیت شناخته میشود، با مقامات چنین حکومتی دیالوگ میشود، سفیر رد و بدل میشود و حتی از مقاماتش برای برخی اجلاس ها

کنند. جمهوری اسلامی ایران از اول سال ۲۰۱۱ تا کنون ۱۸۳ نفر را اعدام کرده است.

این روزها در ایران صحبت از تجاوزهای دسته جمعی به زنان است. در خمینی شهر اصفهان در يك جشن تولد، ۱۲ مرد وارد منزل این افراد شده و با بستن دست و پای مردان به زنان تجاوز از جمله يك زن حامله و يك کودک ۱۳ ساله کرده اند. یکی از زنانی که مورد تجاوز قرار گرفته، میگوید دو مامور حکومتی در زده وارد شدند و سپس تعدادی از دیوار آمده و به همه زنان تجاوز کردند. در مقابل اعتراض هزاران نفره مردم منطقه، مسئولین حکومتی در اصفهان گفتند، تقصیر زنان بوده که به آنها تجاوز شده، چرا که در جشن تولد، حجاب را رعایت نکرده اند.

سیاسی دیگر بیش از یکسال است که اعدام شده اند و هنوز خانواده های اینها نمیدانند فرزندانشان کجا دفن شده اند. جمهوری اسلامی اکنون روزانه اعدام میکند و اخیراً اعدامها در ملاء عام را از سر گرفته است. این حکومت بعد از اعدام دو برادر جوان ۲۸ و ۲۹ ساله محمد و عبدالله فتیحی، لحظاتی بعد از دفن دو جوان، قصد دستگیری مادر آنها را داشت. پدر و مادر این دو جوان از ایران فرار کرده به ترکیه پناهنده شده اند در آنجا نیز از دست تهدیدهای حکومتی در امان نیستند. قتل لاله سحابی و هدا صابر، شکنجه و به قتل رساندن زندانیان سیاسی تنها نمونه هایی از وحشیگری های هر روزه این حکومت است. همین روزها قرار است هفت نفر را در قم اعدام

به آقای جرسی بوزک رئیس پارلمان اروپا

آقای بوزک گرامی!

امروز میخواهیم به شما بگوئیم که سرکوب مردم و نقض ساده ترین حقوق انسانی در ایران اسفناک تر از همیشه شده است. این حکومت در سالگرد سی خرداد، که شروع اعدام های هزاران نفره در دهه شصت و همچنین سالگرد قتل بیش از صد جوان در اعتراضات دو سال قبل و سالگرد قتل ندا آقا سلطان چهره شاخص جنبش اعتراضی مردم ایران بود، حتی به خانواده ها اجازه نداد بر سر مزار فرزندانشان گریه کنند. پدر ندا بر سر مزار ندا، مورد حمله فیزیکی مزدوران حکومتی قرار گرفت. فرزند کمانگر و چهار فعال



این بسته قرض دوم کشورهای اروپایی به یونان برای بازپرداخت بدهی هایش تا پایان سال ۲۰۱۴ کمک میکند.

دولت یونان برای انجام پیش شرط های تعیین شده از سوی صندوق بین المللی پول و اتحادیه اروپا برای ارائه وام های جدید به این کشور، قصد دارد چهل میلیارد دلار از طریق افزایش مالیات ها و کاهش هزینه ها صرفه جویی کند. برنامه جدید ریاضت اقتصادی دولت در حالی ارائه شده که این کشور در ماههای گذشته است. دولت یونان برای تامین کسر بودجه خود مستقیماً زندگی و معیشت مردم را نشانه رفته است. بنا بر گزارش اکنون در یونان نرخ بیکاری به ۱۶ درصد افزایش یافته است. اتحادیه های کارگری در این کشور از برنامه ریاضت اقتصادی دولت که به مردم با حداقل درآمد هم مالیات هایی را تحمیل می کند، بشدت معترضند. یونان عملاً در آستانه سقوط قرار دارد و سقوط یونان میتواند با تأثیرات دومینویی بر کل کشورهای اتحادیه اروپا تأثیرات عمیقی داشته باشد.*

بحران یونان و اعتراضات سراسری مردم

شهلا دانشفر

دارند. اما دولت با پلیس و با گاز اشک آور به صف تظاهر کنندگان حمله کرد و در جریان این کشاکش دهها نفر دستگیر و زخمی شدند. گزارش ها از این روز حاکی از دستگیری دست کم ۱۴ نفر از مردم است. بنا به گزارشها سن تظاهرکنندگان در مقابل پارلمان بین ۱۶ تا ۸۰ سال بود و بخش عظیمی از مردم از تمام سطوح و سنین را در بر میگرفت. خیلی ها در همانجا چندین روز چادر زده و شب را به روز رساندند. در ارتباط با این حرکت اعتراضی جوانی می گوید سیاست بخش مهمی از زندگی مردم یونان است اما امروز ما در مرکز سیاست هستیم یا باید نقش مان را امروز ایفا کنیم و یا فردا دیگر دیر است.

اعتراضات در یونان تداوم دارد و مردم همچنان در برابر سیاستهای اقتصادی دولت ایستاده اند. با تصویب طرح ریاضت اقتصادی جدید دولت و لایحه اجرایی کردن این طرح، کشورهای اروپایی کار خود را بر روی نهایی کردن جزییات وامی به ارزش ۱۲۰ میلیارد یورو را آغاز کرده اند و

روز ۱۵ ژوئن دولت یونان توانست با اکثریت ناچیزی از سقوط نجات یابد و از پارلمان این کشور رای اعتماد بگیرد. دولت این کشور در حالی رای اعتماد گرفت که ماشین های پلیس و آتش نشانی همراه با انبوهی از نیروهای نظامی در اطراف پارلمان در جنگ و گریزی با مردم معترض بودند. در ۳۰ ژوئن نیز لایحه ریاضت اقتصادی در فضایی از تظاهرات و اعتراضات و درگیریهای خیابانی به تصویب پارلمان رسید. از همین رو این هفته نیز همچنان اعتراضات مردم علیه برنامه جدید ریاضت اقتصادی این کشور تداوم یافت. از جمله روز چهارشنبه ۲۹ ژوئن برابر ۸ تیر در دومین روز اعتصاب عمومی مردم در این هفته، دهها هزار نفر مردم خشمگین در تظاهراتی وسیع دست در دست هم در مقابل پارلمان یونان تجمع کردند، تا اعتراض خود را بر علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی دولت به سیاستمداران طبقه سرمایه دار بیان

حمله و نقل عمومی، خواهند داشت که به جرم "تحریک به اعتصاب" دادگاهی میشود. سرکوب مستمر جنبش کارگری در حالی صورت میگیرد که سازمان جهانی کار با برداشتن مصر از لیست سیاه خود به حکومت نظامی ما امتیاز میدهد. بنظر میرسد که دادگاههای نظامی و قوانین ضد اعتصاب برای سازمان جهانی کار معنی دیگری جز این ندارد که حالا کارگران مصر آزاد شده اند. (تاریخ ۲۴ ژوئن، سایت فیس بوک حسام ال حملوی، از روزنه)

انقلاب و ضد انقلاب ایفا کنند.* جنبش کارگری مصر زیر حمله

در سه هفته اول ماه ژوئن، بنا به خبر اولد ال-آرد ان.جی.او، حداقل ۲۲ کارگر و کشاورز توسط دادستان نظامی مورد بازجویی قرار گرفته اند و یا به دادگاههای نظامی ارجاع داده شده اند.

در روز شنبه، ۲۵ ژوئن، ساعت ۱۰ صبح، فعالین اجتماعی یک حرکت اعتراضی در مقابل شورای دولتی، در دوکی، در همبستگی با علی فتوح، رئیس اتحادیه مستقل

به ارتش محاکمه و زندانی شده اند. شورای نظامی وضعیت فوق العاده ای را که بیش از ۳۰ سال است در مصر برقرار است حفظ کرده و حکومت نظامی همچنان در بسیاری از شهرهای مصر برقرار است. در تظاهرات اخیر دهها نفر دستگیر و زندانی شده اند و اعلام شده که پرونده ۴۵ نفر از آنها در اختیار دادستان نظامی قرار گرفته است.

در مصر يك جدال سرنوشت ساز در جریان است. از يك سو مردم خشمگینی که در مقابل فقر، بیکاری، فساد مالی و سرکوب قد علم کردند، توانستند خیابانها و میداین شهرها را به تصرف در آورده و در يك حرکت انقلابی رژیم را سرنگون کنند و سران آن را به زندانها بفرستند و از سوی دیگر سرمایه داری مصر که بیش از يك میلیون نیروهای مسلح ارتش و سازمانهای امنیتی را در اختیار دارد، تلاش دارد اوضاع را به همان شکل سابق حفظ کرده و با تغییر چند مهره به حکومت خود ادامه دهد. اما مردم دوباره به میدان تحریر بازگشته اند تا نقش خود را در کشاکش

مصر: بازگشت مردم به میدان تحریر... از صفحه ۱

محاکمه حسنی مبارک و همه کسانی که در سرکوب مردم مصر دخالت داشته اند پافشاری کردند. آنها همچنین خواستار برکناری محمد حسین تنتاوی رهبر شورای نظامی حاکم بر مصر شدند. این شورا تلاش دارد تا ساختار اصلی و ارگانهای مختلف رژیم حسنی مبارک را حفظ کند. محاکمه سران رژیم قبل را می توان بعنوان يك خواست سمبلیک برای يك تغییر اساسی اجتماعی و سیاسی در مصر دانست. برگزاری محاکمات واقعی می تواند تمام نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر مصر را زیر سوال ببرد و این مطلوب ژنرال هایی که در شورای نظامی نشسته اند، نیست. شورای نظامی در هراس از واکنش مردم، سعی دارد در خفا صدای انقلاب را خاموش کند. بر اساس گزارش های منتشر شده بسیاری از آزادیخواهان و بویژه خبرنگاران و ویلاگ نویسان از طرف نیروهای امنیتی مورد تهدید قرار گرفته و در مواردی بخاطر توهین

گردهمایی خانواده های ۴۸۰ نفر از قربانیان انقلاب مصر در روز سه شنبه ۷ تیر مورد تعرض نیروهای پلیس قرار گرفت. در مقابل این اقدام تظاهرات گسترده و چندین هزار نفره ای در خیابانها و میداین قاهره شکل گرفت و مردم به مقابله با پلیس و نیروهای ضد شورش پرداختند. تجمع مردم در مقابل ساختمان تلویزیون دولتی و وزارت کشور مورد حمله وحشیانه نیروهای پلیس قرار گرفت که با گاز اشک آور، باتوم و شلیک گلوله تلاش داشتند مردم معترض را از خیابانها بیرون برانند. تظاهرات به میدان تحریر کشیده شد. جوانان با سنگ و کوکتل مولوتف به مقابله با نیروهای سرکوبگر برخاستند و درگیری ها در خیابانها و میداین قاهره تا صبح روز بعد ادامه پیدا کرد. بنا به گزارش وزیر بهداشتی مصر بیش از هزار نفر در تظاهرات روز های سه شنبه و چهارشنبه زخمی شده اند که جراحات بعضی از آنها شدید است. مردم در تظاهرات خود بر خواست

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!